

را حمایت کن و همة لشکری ملت را دست ملت بسپار و از مالیات در مرور توطن بگیر و راحت صرف کن یا ذخیره خا تاقی را احتیاجت بگذار که در مصالح ملت و مملکت صرف نمایند و مواجب فقون را با تمام بدعت فلاح صدور را مستحکم سازند اسلحه و مهمات لشکری حاضر کنند آب ها را بروی زمین جاری کرده و محصول بردارند ملت را از فقر و مملکت را از حران خلاصی بخشند. آنگاه ما همه زندگام و خسرو پرست داعیه سلطنت نداریم بلکه راحت ملت را میخواهیم اینست که در سایه این کار دانی و ثبات قدم شهره آفاق شده و طام را از ذکر خیر خود شان بر گردد مثل هذا فایممل العاملون

تلاکراف اصفهان بتوسط وزرای مختار روس و انگلیس بطهران
(۱۷ محرم ۱۳۲۷)

حضور جناب حاکماتان وزرای مختار دولتین سینهین اسکاس و روس ردت شه کتلهما نظر باجماد معضی و نوع برستی و عدالت خواهی که اولین طبقة واجبه شاست و رفع ضرر و خسارت اهالی ایران که بحجة قرب حوار و غیره بشا هم خواهد رسید ، خواستمندیم تلاکراف حقیقت اسلاف ما را مستقیماً بنظر اعلیحضرت هایون خلافة ماکه رسانیده جواب صادر و راساً مخبره فرمائید ، ضمناً مستدی هستیم رسید تلاکراف را بوصول اطلاع دهید اعلیحضرتاً - بهر سطوتاً - ما خیر خواهان هرگاه عقاید خود مان را امروز بمرض رسانیم و در این موقع وحشتناک وقایع گذشته و آینده را خواطر نشان سکیم خان ملت و دولت و مسئول خدا و خلق خواهیم بود

لذا در شهر دیججه بتوسط سفرای کبار و بعد بتوسط رجال دولت و چند روز پیش مستقیماً مراتب را بمرض رسانیدیم ، تا خیر جواب صواب را بچه میتوان حل کرد الا بد بختی ملت بیچاره اعلیحضرتاً انقلاب و اغتشاش کلبه ایران بعد از انفصال مجلس شورا و پیشگاه هابوت واضح است ، اگر این اغتشاش روز افزون امتداد پیدا کند و از این چند روزه که طبعاً سردی هوا مانع است تجارز

نماید ذیل طویلتش بطوری اطراف ایران را فرا گیرد که (نه خسرو باند نه خسرو پرست) و چنانچه عرض شد مردم ایران که مسلمان و تابع شرع مبین و علمای راستین میباشدند ، کراداً از صدر اسلام تا کلون نجره شده است که خان و مال خود را در راه دین دری بر ایگان داده و میدهند چگونه میتوان به تهددات مملکت و تدبیرات غیر مستحسنة ایشان را ساکت کرد !! در صورتیکه احکام علمای اعلام عنیسات روز مره بر استقرار مشروطیت و عدم حواز استبداد صادر و نشر میشود و مشروطیت را با اسلامیت مرا دف میدانشند بر فرض چهار تقریر بقوانت استمداد موثق و تأخیر مشروطیت حضور مبادک را اغفال نماید چه خواهد شد !! و غیر از خذلان چه از پیشر میبرند آیا بیداری اقبال الهوله در ظلم و تقویت دولتیان از آن ظالم ن بک و مساعده دو داد رسی مظلومین غیر از اینکه ده بیست هزار نفر بر عده مقلبین اصفهان افزود چه نتیجه داد ؟ ؟ فرضاً دولتیان معدودی را در استدامة نصب حقوق ملت بنگارد آنهم چهار روز است آنهم در یک قطعه سایر نقاط را چه توان کرد ، ایران امروز بک خرمن آتش است نجات خواهی زراعت باپال شد طالبات از میان رات صناعت مضحل گردید ملت فقیر شده دست از جان شست خزانه خالی شد قشرب پراکنده گشت تا کی اغفال !! تا چند مساعه !! تا کجا ن توجهی بحال هموم اهالی و

ودایع الهی
باری هرگاه مجلس مقدس در سر سه ماه موجب مبعاد هایون مرحمت شده بود کار این اقتضاحات نمیرسید امروز که مردم اصفهان میشه بد قشوی از طهران در شرف حرکت است هوش خوف و تشویش سره راه سر در کف گرفته حاضر انتقال شده اند ،

بچند جهت
اولاً آخری احکام علمای اعلام در دفع مضار تائماً از بی وضع زندگی بی سر و سامان و غفالت مولتیان تنگ آمده بد
ثانیاً در جزئی ، فقر حاضر شده اند خود را بپساک اندزد ملک آسوده شوند (کهره مطلوب وصول لی الکلب) در این سه روز و پیشرفتی از برای

دولت تصور توان کرد اگر امتناع از ایفای وعده و ارجاع حقوق منصوبه ملت قمرموده بودید این همه ضرر باعالی اصفهان خصوصاً و سایر بلاد هموماً نرسیدند فرما اگر ساربن مطالبه حق خسارت نباید در مع بین المللی و پیشگاه قاضی وجدان سوای دولتیان کی بانی و باعث شده و مسئولیت و باداتی خواهد یافت خدایا گواه باش که ما در خیرخواهی دولت و ملت آنچه عهده داشتیم طهارت بودیم و باز تجدید مطلع مینمایم که آسایش اهلحضرت و مات در مادر مشروطه است فقط پس ما از طرف دو میلیون قبه رهبت ایرانی استقامتینام بدور دستخط استرداد مشروطه و افتتاح مجلس شورای ملی را مرحمت فرمائید که غیر از این چاره بصواب نزدیکتر نیست و سوای این هر روز کار خراب تر و خوربزی شدید تر و ضرر ملت و دولت و همسایگان بیشتر خواهد شد هموم انجمنیان اصفهان

مقاله مهم - قابل توجه

(هموم مسلمانان دیندار)

(یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول)

(و اطیعوا الامر منکم)

حجج اسلام بجهت مردم را از اداء مالیات منع مینمایند؟

در تمام دنیا هر دولت حسابی که از رطایب خود بولی میگیرد فرض ذمه خود چنین دانسته که آن پول را در طرق خیر و قایده ملت خود صرف میکنند ، بعبارة اخرى داخله مملکت را از بی نظمی و بی قانونی محفوظ و حقوق مات را در خارجه محروس دارد و یکی از شروط درست حسابی آن دول همین است که هر ساله بلکه هر ششماه صورت دخل و خرج خود را ترتیب صحیحی بملت خود اعلام میکنند تا فهمند که هرچه داده اند بجهت حفظ مصالح خودشان ، مصروف گردیده و از طرف دولت متبوعشان اجتنافی در این باب نگشته یا مقلای پول مالیاتی که از کدبین و صرف چنین کارکنان و مزدوران و سایر اصناف خلقی حاصل گشته در وجه تکلیفات مشتی جامل بی دین که متاعشان در بازار دربار رواج است خرج نشده است

اما در ایران که تنها باید رهبت یخبر باند از اینکه مالیات مملکت بکجا نبرود ، بلکه بزرگان مملکت هم بایست

از صورت دخل و خرج دولت هیچ اطلاعی نداشته باشند ، تا اینکه نتوانند گامی بگویند این همه پول فدو آن مقادیرهای گزافاً مجلس که از دست رهبت بدو رفته و داخل در تصرف دیوانیان میشود آخر کارش بکجا مینجامد

در تمام نقاط دنیا مسئله مالیات یکی از اصول عمده نظام عالم بشمار رفته ، و همیشه اشخاص کارآگاهی که مشتمر بدلسوزی وطن هستند جبهه انتظام آن امر منتخب و مقرر میشوند ، ولی در ایران چون گیرنده این پول بیشتر فقط به اتلاف آن قنود است ادا این مسئله مهم طرف اعتنای دولت ظالمه نبوده و نیست و معلوم است تا مادامیکه همچو وضع مضر در کار باشد بلیات و صدمات افراد ملت بحدی خواهد بود که از زندگی هم بیزار و پشیمان میشوند . این نکته را باید دانست که مالیات اسبابی است که فقط از حبه بیداری شریعت الهی و محافظت حقوق ملتی و مملکتی وضع گردیده ، و هیچ دولتی که باند شریعت و احکام الهیه باشد بویج وجه منالوحوه محق نیست که مطالبه مالیات کند ، و آن را بکیرد ، و اگر گاهی مجبور دولتی بی قانون بخواید مالیات بگیرد ، فقط عمل وی حرام و مخالف با شرع است بلکه اعمال آن کسانی که از او اطاعت کرده و مالیاتش میدهند هم از جهه عمرمات میباشد و در جزء اطاعت ظالمه محسوب خواهد بود

ای قاری کرام هر قدر که از کثرت رذالت و ودرت قباحت این دولت بی خبر بوده یا بملاحظه طرف داری دولتیان را مایل بوده باشی ، در هر طلی که داری استدعا داریم قدری غور و تصق کرده اصناف می که آیا آن مالیاتی که نتیجه زحمت بی منتهای مشتی فقیر بوده ، و باین دولت میرسد ، گاهی در طریق خیر و نفع آنان صرف میشود یا نه ؟ باقیمین داریم که هر دولتمخواه مستبدی بمجرد استماع این سؤال (اگر انصاف را ملاحظه کند) فوراً تصدیق خواهد داد که هرگز قسمتی از این مالیات در هیچو طریقی که ما گفتیم مصروف نگشته است ، زیرا که نه تنها دولتمخواهان بل هر فردی از افراد ایرانیان بخوبی میداند که در عهد سلطنت قاجاریان وجوه مالیات بکجا میرفته و چه

ميشند هرگاه کسی دقیقه تمیق و تصور کند و چشم خویش باز نماید خواهد دید که وجوه طلبانی که از جیب فلان بزرگ یا همان کاسب عیاره بیرون آمده یا طایفات کرکی که از کیسه فلان تاجر در رفته با کمال سرعت سه در جیب حکام ظلم پیکه میرفته و از آنها بقدمی برف و باد داخل خزانه سلطنتی میشده و بعد از اندک نوقتی یا در وجه اسرار و انبساط فتنک یا بمواله لولیان شوخ و شنگ میرفته، و با اینکه ندرتاً برای خرید مبل و اثاث خلوت خانه فرنگستان طی الاوض میکرده و کراوا هم در خزانهای شخصی وزراء عظام محبوس ابدی و زنده بگور میشده است ۱۱۱

علت این بدبختی از چه بود ؟ تمام این بدبختیها از همین بود که افراد این سلسله بمشومه چون خود را حق در تسلط بر عرض و ناهوس و دین مردم میدانستند حتی للفقور میخواستند در این چند روزیکه فرصتی بدست خود دارند از خرابی ملت خودشانرا آباد سازند، و بنابر این بهترین پادشاه قاجاری کمترین کاری که کرد همین بوده مملکت و ملت سلاسی را برهن کفار داده و در عوض مبنای سنگت از اصدا عدو ایران قرض کرده ملت بدبخت را بنویسدسای خوش گول زده محصول تقاب خود را در کافرستان برای تکلیفات حیوانی خود و اطرافیهای خویش صرف کرد، و ابدأ التانی بدین نکته نکرد که حیات این ملت با زندگی شخصی وی خانقه نمی پذیرد، و بعد از مرگ وی این ملت ستمدیده خیال زیست و بقاء دارد

در این وعده سخت که ملت و مملکت اسلامی دوجار خطرات بی پایان شده کلیه علماء اعلام و حبیج اسلام که بحکم شرع و عقل پیشرفت شرافت و سعادت این ملت را بکف گرفته و هایت و صیانت شریعت خدا بر ذمه آنان وارد است بموم مسلمانان ایران اعلام فرموده اند، که بچنان دولت طالبات دادن نباشد در ریشه دین زدن و اساس ظلم را تحویب کردن و ظلم را اطانت نمودن است، زیرا بطوریکه گفتیم اساس این سلطنت بر بی نظمی صرف گذارده شده و بی قانونیش از هر دولت بی قانون پیشتر و شدیدتر است و دولت بی قانون مفادش مخرب اساس آرمیت و عادم میان ملت میباشد و این حرکات ظالمانه دولت حاکمه ایران و آنچه قل و

قارت و بی اعتدالی که از آن سر میزند با بیج قانون و یا سانی مناسبت ندارد

امیدواریم راهبران وطنی و دینی ما حکمت این احکام مقدسه حضرت آیت الله را که ما در اینجا بشریح بعضی از آن برداختیم تلفت شده و از باطن شریعت بدرک معانی و حصول فواید آن احکام حیات بخش نایل و موفق شوند، تا دیگر بیج ظلم بیبدی نتواند جرات داشته باشد که بر عیت بدبخت نگردد که برو زحمت بکشد و بول خود را بن بده تا زور درست حکم و جان و مال و عیال نورا هر نوعی که اقتضای خاطر ما باشد باریجه مواووس خود بسازم

لغات و دولت بی قانون - سنگ و طار بر آفت خلق بشموری که مآلات بدولت بی قانون میدهند (مبدلانی)

اخبار جنوب

(یا مقدمه جنبش خیورانی بوشهر)

صد از آنکه هیئت حق خواهان مطلوب و حوقه استبدادیان قاب آمده و اساس سعادت ایرانیان باهدام تمام دو چار گشت، از اهالی هر طرف برای استرداد حقوق منصوصه حرکتی شده و در اندک زمانی تمام ایالات معظم ایران اقتدا و اتفاقاً با ذریعهای کرده آثار استبداد را از مملکت خود بر انداختند و بمحمد الله این حزب آسبی چنان فتوحات متواتره نایل گشتند که امید است زودی ریشه استبداد از بیخ بر کنده شود و بی قانونی و مریج و مرجی که حالا از نکبت استبداد در این مملکت اسلامی جاری شده هم آقرب مبدل با استقرار شریعت حقه و پیشرفت احکام الله بشود و بعبارت ساده آب رفته مجوی باز آید، در عرض این مدت فقط جایکه از استهضات ملی سره نگرفته بود بوشهر و شیراز بود، ولی عات خاموشی بوشهریان یکی همان دوری از بیخنت و دیگری بعضی ملاحظات بود که کان میگردند حرکت ایشان باعث تحریک همسایگان میشود اما صاحب بی حسی شیرازیان تاکنون معلوم نکشته و جز دوری از عوام حق شناسی و خود پسندی علماء آنها نمیتوان عملی رای آفت تراشید، هر حال حرکات سرده لاریان که سببش آفاق را فرا گرفته کم کم از بی محاب جنوب میکنند و اقدامات

بکم الله تعالى ونصرکم و نیت اقامتکم والسلام
علیکم و رحمة الله و بركاته

من الاحمر الحانی عهد کاظم الخراسانی

• • •

بعد از وصول آن دستخط مطاع تمام نجات محترم
بوشهر با حضور حضرت مستطاب آقا سید مرتضی
مجتهد عری سلمه الله تعالى و علماء دیگر مجلسی کرده
و در این باب گفتگوی زیاد نمودند، گویا فیصله آخری
چنین شد که در اول رجب الاول ابدأ بارهای تجارتی را از
کربک مرخص نموده و بقی در احراء حکم مبارک
فوق فرمایند، ضمناً تلگرافی هم بمحضرت آقای آخوند
زده و دستور العمل قطعی در این خصوص خواسته اند
امیدواریم جنابان در این عمل خیر عاظمه و افعال روا
نداشته هر چه رودز ست حق القدر متفقاً با هیئت
آقایان علما لوای حق خواهی و دینداری را بلند کرده
آثار استبداد را از مملکت خود شکار و سارند و
همانطوریکه اهالی شال از ۵ ماه پیش تا کنون مردانه
کار کرده مانند شیر ژان میکوشند اهالی جنوب هم از
حرکات خدا پسندانه غفلت نکرده بوضی خوب در
صدد حصول مقصد برآیند، و نام سبکی برای خود بیادگار
بگذارند، متطربیم که زودی اخبار مسرت آثار از
آن دیار رسیده خاطر تمام حق طلبانرا شاد داریم و
حرکت بوشهریان اگر چه دیر آمده اما دلیلیز آید

(قال من یحیی العظام و هی رهم قل یحییها الله)

انشأها اول مرة و هو بكل خلق علم)

(ما مردیم و بکلی کاستیم)

(انگ حق آمد همه بر حاستیم)

• • •

بوصیغ - در چند شماره پیش در تحت همین
عنوان جنین اظهار رفت که حیدرخان شد و ریگی بسر
حاکم علی حاکم از ده طالبات تقاعد و وریده و خواسته
حکام حجاج سلام را جبراً بدارد، ولی حالا در تحقیقاتیکه
شده بی خبر محقق نداشته و این حیدرخان به ضابط
در ریگ ملک حاکم شنگستان بوده که از دادند
ما را مدعی زده، و اما خان بندر ریگ با وجودیکه
در آن هم از دادن طالبات مسامحه و تخلف کرده اند
از به تمام طالبات را بی کم و کسر داده سهل است

فدا کاره جناب آقا نبیخ علی ابوالوردی دامت افاضه
که بتازگی وارد شیراز گردیده اند طاراً امیدوار بخیر
طاقبت آن ایالت میسازد، در ظرف این چند ماه فقط
در مداخل دولتیان هم طادات گریک جنوب بوده که
از آن راه خوان می رسیدند، و ما تعجب داشتیم که
غیرمندان جنوب با آن عوالم دیانت خرد چگونه بیشتر
از این اجراء احکام حجاج اسلام صکه امروز بر هر
مسلمانی واجب و لازم می باشد نپرداخته و روح صاحب
شریعت را از خودشان راضی ساخته اند، ولی چیزیکه
حالا طاراً دلگرم و امیدوار میسازد همان حکم جدیدی
است که از مصدر حضرت مقدس بای الامام آقای
حجت الاسلام آیه الله فی الامام آقای آخوند ملا محمد
کاظم خراسانی منع الله المسلمین بطول فانه خطاب به
تجار محترم آن سامان رسیده و سورتش این است

﴿ بجم صدر ۱۳۲۷ ﴾

(از محف)

(اسم الله الرحمن الرحیم)

توسط جنابان مستطابان حاجی سید محمد رضا و
حاجی باقر سلمه الله تعالى رئیس التجار و محوم نجات
محترم آن خطه حفظهم الله تعالى رحمت افزا میشود
لحمده رب العالمین محوم آن عاظم و عیان ایران از
وضع حالیه مملکت و رخامت طاقت این استبداد و فعال
مابشاه بودن جارین و مملکت روشی و حوق بخشها
و اقدامات جنگبزه در امور و دماء و امراض و
موال مسلمین کما و حقه مستحضرید، البوم و است
که ملت در استیفاء حقوق مقصود خود هم - بایند،
دین مبین و مملکت و وطن اسلامی خود را ز نطاول
و استیلاء کفره محفوظ و طامه و جارین را از فعال
مابشاه و حاکم ما یزید بودن مسلوب اساس متروک ملت
و استوار و استقلال مملکت و ملت را بایر
و چنانچه کراراً انبأ و تلگرافاً بمحوم مسلمانان
شده قدام در آن مقصد مقدس و نذل هم در
در ایجاب عازله جهاد در رکاب مبارک بیوت
نوی و مسامحه عازله خلفاً آن حضرت است
طالبات و طادات گریکات هم بمأمور
اطانت بظلم و عیون و سفک دماء و
نهب اموال مسلمین است

استخفاف احکام حجج سلام هم نموده ، و اظهار میلی از اجراء آنها کرده و بلاوه بنایب الحکومه و شهر نوشته که اگر مشروطه خواهان بخواهند حرکتی کنند من برای دفع ایشان حاضر ، و بکفایت تنگی میدم امیدواریم که با زودی دست فبی به پیدار کردن این بی خبر دراز شود یا در آخر سزای این خیانت بزرگی که نسبت بدین و آئین کرده بیاید -

این عمره مردم باید باشد که اگر استبداد یا مشروطیت حله حاصل نیاید در هر صورت ایشان در خطر خواهند بود ، زیرا که دولت آنها را از بی بولی میدوشد و ملت هم سزای حیانتشان را میدهد (مخبر صادق)

وضع وصیت پوری در کازرون

ما مردم نیک زده کازرون آنی از زندگی خود سراغ نداریم که از ظلم و اجحاف و ستم و استخفاف حال و حکام و مامورین مولی نفسی با سزاقت کشیده و خواب راحتی رفته باشیم ، هرکس زود به زود طرف این شهر نموده و از وضع این شهر شیر واقف گشته میداند که چه قدر همارات طالبه و ابله و خامی مقدمه در این شهر غرور و بصاحت موجود که همه صاحبانشان از شرارت طبع حکام چاره نماندند و از خایان گفت مشقت غربت و در بدوری ممالک اجنبی و مخلوط بودن با کفار اخباراً اختیار نمودن در ولایت غربت با دلی تزار و خطری فکار پس از سدهت و مشاق نگفتنی جان داده و از تصدق خاکبای اسلام برسانه آل قاجار از مراسم کفن و دفن مسلمان هم محروم مانده اند

در زمان هر یک از آل قاجار خصوص زمان محبت توامان محمد علی میرزای حلیه بشهادت شهید طاهر و شواهد حسیه و خرابی بصاحبی انبیه محسوسه هر ساله دسته از ما بیکسار بیداری رهسپار شده بطوریکه هیچ شهری از شهرهای وسیع مسکون یافت نمیشود که ایبه هم از مهاجرین این ملک در آنجا نباشد تاچار در مملکتی که اساس داریه دولتی آن برین قانون و حق تلفی و وصیت فروشی گذارده شده قول بزبان اصلاح خورده و علماء شریعت پناه هم از حیث اعتبار و اعتناء ساطع و این قسم مردمان زیرک هوشیار

زرق خواه را می بدستگاه حال و حکام بیابن نداده و نمی دهند ندیم و مشیر انیس و وزیر جلین دستگامی باید بحکم جنیت مردمان باشد قلاتی اوامی متجاسر بسق لا ابالی در دین ن اعتناء در مذهب در این صورت خبر خواهان ملک و ملت با این قلت عده هر اندازه در اصلاح امور و رفع فتنه و فساد و خرابی سی و کوشش کنند باز محکم اقلیت مغلوب فرقه ظلمه گردیده قولشان مهجور و متروک خواهد شد کجا ندارم و فور آبادی ظلمه در هیچ شهری از بلاد ایران پیش از کازرون پیدا شود زیرا حکامیکه در این بلاد آمده و میآیند هر کدام بوسیله ودایم دسله از اشرار این شهر تطمیع و مسخر نموده یکی اصطاه ... دیگری با حنازه نبش فتور مسلمین و تصرف در مقابر جامعی بخوردند منافع املاک موقوفه و بمصرف این طرح نکرده یکی یادگاری دیگری شامل یکی بصلب سرقاطر گیری و ... و ... با هم عهدت و عهدستان نموده و بنیاند ، به تا اینکار نکند احکام ناحق میتواند بدهند ، تا اینکار نکند اوامر شرع مقدس را نمیتواند استزاه بکنند تا این کار نکند بجهت حیدر خان کارچی بتوسط اشرار کازرون بر اموال و امراض مردم تسلط نمی دهند تا این کار نکند علناً و بر ملا بنوشیدند باده و بوسیدن ساده نمی توانند اقدام نمایند اگر مرتکب اینکار نشود مجرد سعایت عطاء الهوله و بعضی سندی دیگر شجراز از شاه حلیه کویدن کازرون را با توپ و تفنگ و کشتن متجاوز از هزار نفس محترم و قارت اموال آنها قادر نبودند اگر اینکار نکند به چه وسیله خواجه اراهم کلانتر را نکشتن میدادند و احدیت او را در بدر میکردند اگر اینکار نکند اشرار جبری مرتکب بر خونریزی و قارتگری و ناامنی نمیشدند که مردم تنگ آمده کرماً و طوعاً اظهار شرف نموده بکنش ظلم قاسق خونخوار بدین را ظلمه و مقدس بدانند اگر شاه و درباریان بموجب تلگراف خرافت انصاف که مقارن با تخریب بیت الوقایه مسلمین صوم بلاد مختاره نموده و اظهار مودت پروری او در بیت خواهی و علماء نوازی نموده بود راست میگفت چرا در اخذت که دست استبدادش رها گردید آسایش مردم بداد ، اگر شاه احترام علماء منظور داشت در

شب ۱۵ صفر اموال و اشیاء او شبانه نا هنگام در خانه جناب مستطاب شریتمدار ملجاءالامام آقای آقا میرزا محمد علی اسفهان حاکم از جمله علماء میرزا کازرون است غیرمختند. و پس از تهب اموال و متک اهراس آنام چهارمرا انواع ریواحترازی اذیت نمیکردند و او را امر برقصیدن نمی نمودند این نتیجه پدر مهربان بودن به جوان زندیق است این نمره آن است که بعضی از علماء سوه خود غرض این جوان مرتد را مقدس و مشروطیت را منافی با شریعت گفتند. پس از تخریب پارلمان ایران تاکنون حال ما چهارگان این بوده که یکی از هزاران بطور فهرست معروض گردید. امیدوارم در جریده فریده بجهة انبساط و عبرت سایر برادران دینی درج فرماید تقدا خواهی عداقه هم با چه کاروبن آمده از قراریکه میگویند جز اصلاح مقصودی ندارد تاجه کشف شود بعد معروض میدارم

ترجمه از جرائد خارجه

صبح میونسید دبروز دوم سفر از انجمن االی تبریز انجمن سعادت اسلامبول تلگراف دیله رسیده است (در سطح حلقه محاوره سختی واقع و از مستبدین جمع کثیری متبول و بفرح مابقی در حال پریشان قرار نموند)

حاله ایران ازین امر کسب و صوح میکند که وزیر مالبه روسی بانگ استقراضی طهران سعادت قطعی نموده که کلک مالی بیبج وجه به عهد علی ندمد
احرار رشت رسا اظهار داشته اند که برادر شاه نتایج الساطه خود نمیخواهد بطهران برود، ورنه در حرکت آزاداست و بیبج وجه سعادت ازطرف احرار نشده و کسی وجهی هم از او نخواسته است

احرار بین رشت و طهران در یکی از مواقع ام یکمفرزه قشون گذشته و مقصود اراین جلوگیری از اردوی طهران است اگر بطرف رشت بیایند

در (قم) پلصد سوار و دو هزار و پلصد پیاده و بیج مراده توب جمع شده قلیل از اینها اگر چه هرروز معنی نظامی میبکنند ولی با کثرت ابداء اطاعت مسکریه نمیدانند و چنین قشون را بسمت

اسفهان سوق دادن از محالات است میان اینها سیصد سوار مختیار هم موجود است که با مختیاری هاسیه اسفهان هم الکار اند. مختیاری های اسفهان بیلابد و نصبات جنوب از احرار مدبر و حاکم میفرستند

نظر بشکرالیکه روزنامه طوسی از طهران گرفته درصادمه که در تبریز واقع شده ستارخان قشون رحیم خان را در طرف شمال بکلی مطلوب کرده و عقب نشاندند در پست و ششم فوریه محله خیابان از طرف اردوی عینالدوله (بومباردمان) سختی نتیجه شده است
۲۷ فوریه از تبریز به پتربورگ تلگرافاً خبر داده اند که (بومباردمان) دبروز تا غروب هوام کرد و شبان اظهار هیچ نتیجه حاصل نمود امروز سکوت حکم فرمادت

اعالی طهران انترس عورش نزدیک که این روزها بسمل خواهد آمد خطی متوجه و در سفارت خانه ها جا و پناه گاه برای خود طلب می نمایند در یکی از اطلاعاتیکه بدیوارهای طهران چاپ شده اند اظهار شده امروزها هر طرف (م) انداخت خواهد شد

از خوی ورود چند عسکر عثمانی را با یک فر دهباشی و برهمن ملتی های شهیدر خانه در حال وقت انگیز و کشته شدن سیصد نفر از ملتی ها و ده نفر از تبه عثمانی را خبر داده بودند و بتوسط شهیدر خانه مزبور مدیره بیم خانه آلمانیا (ها دم خارناتی) کافی نبودن عساکر موجوده و از دیاد آنها را استرحام نموده و نظر بشمار اسلامیه و اسایت بجهة حفظ ملتی ها و اتباع عثمانی حکم شده که عدد کافی عسکر با صاحب منصب مناسبی از نقاط نزدیک بخوی فرستاده شود. و به (وان) هم تبلیغ شده بجهة مصارف ملتی ها و سایر مخارج لارمه را برسانند
روزنامه هلی اروپ می نویسد. شش هزار سینه خود در اسلامبول تکرانده کرده به تأمینات عالی و جان را خواستگار است که حکم افتتاح پارلمان بدمد و همین ملاحظه سیر با احرار محاربن و مقببین اسلامبول دنگ. زرد. یک شصت عسکر که از نزد عالی محض اشرف آمد. نام مشروطه خواهان ایران بعد از اعاده قانون می بایست طلب جان را اظهار نموده است

جلالتین

اگرته، یکفتر را بیگنه کش و فرمان خدا باید که شکست اقدام می نویسد از طهران به (نوپوریا) تلگرافاً خبر رسیده که مجدداً شاه ایران بطاوت انگلیس و روس رضایت خود را با افتتاح پارلمان اظهار داشت فقط در مقابل تأمینات مالی و جان خود را از این دو دولت خواسته سفرای دولین در کمال شدت رد نموده اند

فعال بودن سفرا علیه دولین و طول مذاکرات بین این دو دولت حکومت ایران را روز بروز به موقع مشکل سوق میدهد مجلس وزراء طهران ریاست شاه منعقد شده در آنجا شور میرساند بر ضد افاده مشروطیت بوده اظهار داشت حکم بجزد اقتضای پارلمان اضمحلال سلطنت بعمل خواهد آمد، بعضی از وزراء شریک قول امیر بهادر اند، شاه بعد از انهم مجلس از ندان حکم افتتاح خلیل نام است بمقیده او موقع افتتاح پارلمان گذشته و انتظار زیاد شاه بمالیت امور آذربایجان است، و تا نتیجه آخر محاصره تبریز عدم اجرای قانون اساسی را اعلان داده و این اعلان در طهران خیالات اهالی را خلیل برهمن کرده، و شته ارتباط اخری که در میان اهالی پای تخت و شاه باقی بود بعد از این اعلان بکلی کسیت است حیات شاه بشکلکه افتاده کارها خلیل و خیم شده افکار عمومی ایران با این شاه ابداً قابل اتلاف نیست هر دو طرف منتظر نتیجه محاصره تبریز اند تا چه شود

جلالتین

در کشتی و تخم کین کاشی و در کشتی را کی بود آشتی حکومت ایران اعلان داده که تا چند روز دیگر تبریز مسخر خواهد شد (آرزو بچوانان عیب نیست) و شت با احرار قفقاز ملو است و آسایش دوام دارد

اصفهان ۱۰ صفر ۱۳۲۷

وقایع نگارما

شهر در منهای منبت و مردم در کمال رقابیتند، اینک دو ماه کامل است که حضرت مصمص السلطه حکمران قانونی این شهر شهیر اند، کسی حکومت نموده که زبان از بیان حسن و قنار خان عاجز است املیت شوارع برقرار دیناری بکسی اجحاف نمی شود اداره عدلیه دائر، بدبهم شروع وسایر ادارات تمدنی

هم در کار شروع کرده اند، دزدی یکفتر معدوم است حضرت تقة الاسلام که شخص اول روحانین این شهر شهیر اند علاوه بر مدارج علم و عمل و فضل و تقوی اول عطش با سیاست و واقف بمواقف عصر اند در اجرای احکام حضرات آیات اقدس نجف اشرف و بلند کردن کلم مشروطیت درین شهر ید خدا نمودند در حقیقت معارفت دهنده مشروطیت در خطه اصفهان این وجود محترم و حضرت مصمص السلطه و ضرعام السلطه اند، و هرگاه تأییدات سری و عطفی حضرت تقة الاسلام نبود کار با نجا نمیکشید، الممن ولایتی به ریاست حضرت تقة الاسلام دائر، و نظارت تامه رجیع ادارات دارد، نیکویم الممن اصفهان هر جبهه کامل است، ولی چون قاضی او هم روزه و وسیله به تنگ است امیدواریم بزودی صورت کلی نمودار سازد

فرمانفرما چون دید که بزبان بازی نمیتواند حضرت مصمص السلطه و اهالی اصفهان را بدام آورده و بد بختانه جرئت ندانده و قوه مقابلیم با شیر پشته شجاعت جناب عزیزم السلطه سپهسالار علی ندارد لکن از حکومت موهومی اصفهان استعفا نموده، ولی در باطن مشغول به تقنین بین برادران و برادر زادگان رؤسای بختباری است و جاسوسهای چند با اصفهان فرستاده، و سعی است بلکه بیک وسیله بتواند تفاق بین اهالی اصفهان و بختباریان بیندازد، ولی تمام این خیالات خام و باطلی است چه تمام مردم از بازبهای دولتیان در تبریز سبق حاصل کردند که نتیجه تفاق جز قتل و قنارت شهر و اهالی هیچ ندارد

گفتگوی آمدن حضرت سردار اسعد و جناب مرتضی قلیخان از پاریس هست اهالی اصفهان ورود ایشان را از سمات غیر مترقبه تصور می نمایند، چه مسلماً ورود ایشان افواها نیکه دولتیان برای مرعوب داشتن اهالی در عدم اتفاق کامل رؤسای بختباری انداخته اند مرفوع خواهد گردید، اگر چه این سخنان در نزد ارباب خبرت گذش ظاهر است ولی بازم تا اندازه در قلوب عامه خلش دارد امید که آنهم ز میان برآورد

حضرت مصمص السلطه به سپهسالاری جناب صرفام السلطه بجهزار قشون منظم تحت السلاح دارد و همه

روژه بر عده آنها افزوده و مشق نظامی می نمایند . بر
 استحكامات شهر خلیل افزوده شده . امروز شهر
 اصفهان حکم یک قلعه خنکی را حاصل نموده . افواه
 است که ده هزار سوار برای جهه به طهران نیز
 تدارک شده . بعد از نوروز رواء بجانب طهران
 شود . بین رؤسای بختیاری و قشقایی مصالحت کامل و
 در صفاک متحد اند . دائره حکومت حضرت مصمم
 السلطه از یک طرف تا قم ، از طرف دیگر تا قرب
 هرات و هریستان ، و از طرف نزدیک به بزد رسیده
 و همه روزه بوسعت دائره شان می افزاید . با تبریز
 و گیلان و سایر مراکز مشروطین هم روابط قائم
 و مواعید موثق است . فعلا فکر هرکس و ذکر در
 هر مجلس ورود حضرت سردار اسعد است . و یقین
 دارد که بعد از ورود مسافرین هنر پارسی روشی
 دیگر روی کارها خواهد آمد . و گویا جهه بطهران
 هم بته ورود ایشان است . اسپهانوز وارد نموده
 از خودشان یک محبتی بزرگ در قلوب عامه انداخته اند

لاستان ۲۰ صفر ۱۳۲۷

وقایع نگار ما

بحسب حکم انجمن ولایتی لارستان و محله حضرت
 حجت الاسلام آقا سید عبدالحسین مجتهد مدظله قردولتی
 از بستخانه لار موقوف و مهر بستخانه را هم عوض
 کرده قرار داده اند همان مهر تازه که سببش (بستخانه
 مل لارستان) است بروی پاکات زده اجرت مقرر
 را بازیافت دارد . سپس یکی از خیرخواهان اعضای
 انجمن را بدین گونه متذکر ساخته است

چون بستخانجات دنیا امروزه مروط یکدیگر و
 جمیع دول باهم مساعدات بین المللی دارند و خطوط لارستان
 باد هر نقطه عالم برود مسلم است باین قرارداد جدید
 بجهت قبول نخواهند کرد . و این نکته علاوه بر این که
 کارهای قدنی را از گردش خواهد انداخت ضرر بین
 هم بمسلمانان خواهد زد . چه تمام پاکات با آنکه
 اجرت نمر داده شده بدون قمر محسوب و از کسیکه
 خط بنام اوست دو گونه اجرت خواهند گرفت . در
 آن صورت برای یک خط سه اجرت از طرفین داده
 خواهد بود .

گذشت بر این این حرکت را خارجه یک گونه حرکت
 لغو گفته تصرف در مساعدات قلم داده مورد براد
 واقع خواهم شد . پس خوب است چند سینه دیگر
 درین گونه القاطات صبر کرده و در کارهای بین المللی
 و مساعدات دول تصرف نه تا ایم تا اسباب براد و
 مداخله خارجه نگریم

ملت امروز باید تمام قوای خود را صرف کنن ریخته
 استبداد باید . همینکه ریخته استبداد از ایران کنده شد
 تمام کارها بروتی سرام ملت اسلام انجام خواهد گرفت
 همین قسم است مسئله گمرک که مساعده با تمام
 دول شده اگر ما تصرفی در تعرفه او تا ایم . و با
 گمرک را موقوف سازیم اولاً خارجه زبر مار نخواهند
 رفت و بر فرض هم ساکت مانند سرتا با زبان مسلمانان
 ست چه سرمایه داران فرنگ همینکه دیدند گمرک موقوف
 شد مانند سیل مال التجاره خود را محسوس ما ریخته
 در قبلی رمان ثروت مملکت را خاروب خواهند نمود

امروز چون وضع تمدن ظلم بدین قرار گرفته محال
 است ما را بگذارند بسابقه خود تصرفی درین امور تا ایم .
 و در حقیقت مقام عس و حرج واقع شده ایم . پس
 ناچار باید جهان اصول موجوده رفتار کرد و متدو حاً
 بعد از آنکه ملت از هر جهت حکومت خود را مسلم
 داشت آنچه را مناسب ندانند تغییر دهند فقط چیزیکه
 امروزه لازم میباشد این است که نگذارند از وجه مالیات
 و گمرک و پست و تلگراف و غیره دیناری با اداره
 استبداد برسد

امروز انتظام یک مملکت و دائر عهده ادارات
 تمدنی و حفظ ملک و تکامل قشون ملی و - و - و
 مصارف زیاد دارد . کارها را باید قسمی از پیش برده زبر
 کارناج . این لایحه در انجمن ولایتی و شرح بحث آمده است
 لشکر اسلامی تمام صنفا گریسرات را قبضه
 نمودند . و طالب مقامات بدون مقابله لشکر اسلامی را
 استقبال و علم مشروطیت بلند کردند . از قوام و
 قواصیان مستبد در حفا لارستان و گریسرات نام
 و نشانی نمانده . ری تصرف بندو عباس و آنچه هم
 اوامر مخصوص صادر نموده مردم هم خود از ظلم مستبدین
 بشنوه آمده اند

تکرافات واجع بايران

(۲۸ صفر - ۲۵ مارچ)

مخبر روتر از طهران خبر میدهد :- (لسانیس) وکیل تجارتخانه (زکار) را در (سیوند) قرب شیراز دزدان حلت نمودند

(سر . جی . بارکلی) سفیر انگلیس مقیم طهران رسماً از دولت خواسته از حکومت شیراز بخواهد که اموال تاروت شده (لسانیس) را فوراً از دزدان دریافت و آنها را هم سزا دهد

راه بین اصفهان و شیراز ابداً مأمون نیست بحسب خبریکه امروز از تبریز رسیده دواردوی عین الدوله (عجب) افتاده اصالی اردو پراکنده و مشوش شده اند

تکرافات مخصوص اداره از اسلامبول

جبل اللین - کلکتہ - تکرافات تبریز - شب ۲۹ احرار باوردوی استبداد حله، شش اسیر و سی و چهار مقتول، خائفشان، زیاد احرار قالب (انجمن سعادت)

جبل اللین

از قرآن چنان مستفاد می شود که وکیل کبکلی (زکار) در (سیوند) بشکار رفته بود که دوچار دزدان شده است، ولی ازین بعد خیلی ملت باید دقت نماید که اسباب املیت برقرار شود، چه امروزه از پوشهر تا اصفهان تمام قبضه ملت است، درحقیقت نگاهداری املیت بدمه ملت میباشد خیلی مناسب است تا املیت کامل فراهم نیامده نایندگان خارجه را متنبه کنند که رعایای خود را از برخی باسکها محفوظ دارند، و در مقامیکه محل خوف است تا وقتی که آفت خوف مریض نگردد به حرکتشان را منع کنند تا در حکومت ملی اسباب بدنامی پیش نیاید و مورث خساره واقع نگردد

(۲۹ صفر - ۲۲ مارچ)

مخبر روتر از طهران خبر میدهد که نایندگان روس و انگلیس توأم بدربار ایران بروست نموده اند که در قرب و جوار تبریز رحیم خان (قرجه دانی) ظلم و وحشیگریها بمنها رسانیده دولتین خواهش میکنند حاکم فوری حکمی بر او صادر شود که ازین ظلم و اجحاف باز آید

جبل اللین

این بروست در جواب خیالات فاسده درباریان است که سعی بودند باین حرکات وحشیانه در سرحد و اجحاف برطایب روس دولت مشارالها را مداخلت در ایران مجبور نمایند، این بروست دو نکته را بر درباریان توضیح داشت، اول اینکه حرکات و خیالات اداره استبداد تمام برخلاف تمدن و از روی وحشت و ملت کشی است و هر دولت که بوی تمدن پشانش رسیده باشد طرفداری از چنین اداره ننماید نمود، دیگر آنکه ظاهر کرد که ازین گونه حرکات وحشیانه الزامی بر ملت وارد نتواند شد، بلکه پیش از پیش حقوق و مظلومیت ملت ثابت میگردد، و فرضاً هم اگر بنسب شود خارجه جلوگیری عمل نمایند از مستبدین خواهند نمود در معاونت مشروطیتین

چندی قبل تکرافی حضرت ستار خان قریب باین مضمون اشاعت داد که لشکریان استبداد در عوض جنگ با مردان صالح چون قوت خود را ناجیز یافته پشت بپیدان جنگ نموده بدون گناه حله بر مردمان بر طرف غیرمسلم و زنان بیواه و اطفال پینوا می نمایند ازین رو من از طرف آن بیگناهان بی دست و پا که نه از استبداد خبر دارند نه از مشروطه هراسانز مقدمه رجوع نموده التماس می نمایم که قشون شاه را ازین حرکات وحشیانه باز دارند

میتوان گفت که این بروست بدربار استبداد اثر استیفاف سردار علی ستار خان بهرائز متمدنه علم باشد افسوس که دولت شش هزار ساله ایران که همواره مهد تمدن شناخته می شد از تمامت بلک نفس ترقی معکوس کرده کارش بجهان رسیده که همسایگان تازه متمدنش بر او بروست میکنند که دست از حرکات وحشیانه بردارد اف را این سلطان و ثقف را این وزرا

(۳۰ صفر - ۲۳ مارچ)

ملتیان تمام ادارات دواقی را در پوشهر متصرف شدند طمس بیتی مینویسد که قبضه ملتبان در پوشهر رسماً تصدیق شده و ضمناً میگردد که در حلبج فارس دو چهار جنگی موجود است یکی (فرانس) و دیگری

مبدل به یاس گردید، دخل کمرکات خلیج هم که از برکت اقدامات حضرت حجة الاسلام امری مدظله و غیرت و حجت سایر وطن پرستان مسدود شد.

اگر چه ما را شکایت زیاد از غیرتندان بوشهر بود و چنان تصور میکنیم که برچاهم نبود، ولی اکنون که مردها کوشیده و اساس تنگ از تن بیرون کردند از ایشان راضی شدیم، مشروط بر اینکه تعاقب را از میان خود دور نمایند، و اشخاص کاری و کاردان را بوکالت انتخاب نموده که عرضشان کار باشد نه نام، انتساب وقت ناموری بزرگان میرسد، امروز وقت کار است وقت غیرت است، وقت وطن پروری است، اشخاصی را بوکالت انجمن ولایتی مقرر دارند که دارای فهم سلیم و عقل مستقیم و قابل و وطن پرست باشند تا کم بگویند و پر بکنند.

امروز اهمیت بوشهر به جهت زیاد است نگاهداری املیت و حفظ مال و جان و طایبای خارجه اوایل وظیفه آنهاست، اگر خدای مخلص خواسته بوشهریان از هبده این وظیفه عظمای خود بیروفت بیایند لکن ایاق تاریخی نادانانه ظلم بروی آنها باقی خواهد ماند.

البته غیرتندان بوشهر ملاحظه نموده اند که در هیچ نقطه از قاطبیکه در کف مشروطین بوده مال و جان و طایبای خارجه در خطر نیامده، و خارجیان را ابواب بهانه و مداخلت همه گونه بند شده است، حسن اداره و انتظام و نیک سلوکی با اجاب لیاقت و قابلیت ایرانیان را مشهود جمیع ملل دانت، امیدواریم که غیرتندان خلیج هموماً خاصه بوشهریان ما فطانت این طایفه قابلیت را در ایرانیان زاید جلوه دهند و خدای ما کرده زائل نمایند.

چون اداره استبداد را راه معاش منحصر بخلیج بود البته ازین اقدام مجدداً حریت پروران اهل خلیج خواهد بر آشت، و هزاران تبرک کوشش خواهد نمود که شاید بتواند خللی در امنیت پندازد، بلکه آن کل آلود نموده مای بکیرد، شا غیرتندان راست که با منتهای هوشیاری حرکت نمود نکفارید تیر ترورشان هدف اصابت کند و اول اقدامیکه اداره استبداد نباید اختلاف اداختن بین اهالی است، لذا اداره پست و تلگراف که بزرگترین وسیله رابطه مستقیم با مرکز

(و بد برست) سباز آخر الذکر فعلاً در بندر لنگه است و جهاز (فوکس) معلوم نیست کجا میباشد در اعارة محری بنی تلگرافیکه تازه رسیده ظاهر میدارد که بندر عباس وقتی بقبضه ملت آمد ابدالافتعاش شد ولی در خصوص بوشهر خبری نداریم که آیا آنچه اصل است یا نه، و نیز از جهازات تجارتی آنچه هم خبری رسیده است.

سر ادوردگری وزیر خارجه انگلستان در پارلمان اظهار داشته که دولت روس بمحافظین قوئلخانه خود در رشت امر فرستاده که در حین ضرورت محافظه باید تمام رطایب خارجه راه و ما هم بمجهازات جنگی خلیج فارس حکم داده ایم که در بوشهر و بندر عباس هرگاه لازم شود در محافظه جمیع رطایب خارجه بکوشند.

تلگراف مخصوص از بوشهر

(۳۰ صفر - ۲۴ مارچ)

جبل اللین - کلکته - ادارات استبدادی مقبوض - املیت داتر، خارجه، مأمور، جریده آزاد فرستید سید مرتضی امری - میرزا علی

ایضاً

جبل اللین کلکته بشارت، ملت ادارات دولتی را منصرف، انجمن مفتوح (حسین)

جبل اللین

هزاران شکر که جنوب ایران بدون هیچ گونه خونریزی تمام در قبضه مشروطین در آمد، بوشهریان قیور اگر چه در جنیدد ولی قیورانه حرکت کردند واقفان رموز میدانند که قبضه ملت بر بنادر جنوب خاصه بوشهر اثر و اهمیتش نزد دولتیان از قبضه احرار بر شیراز و اصفهان و خراسان بیشتر است، چه از شش ماه باین طرف دخل دولت منحصر بکمرکات خلیج فارس بود، و روزاه آنچه دخل کمرکات بود با حواله تلگرافی به طهران میرسد، استقامت استبداد را بدست گفت تا این درجه ازین اطاله مالی خلیج بود، نیک که محمد آق کمرکات خلیج قبضه ملت آق حکومت باغ شاه قطع گردید، ازین و مسامت استبداد در مقابل هیجان ملت محال است، نیک طرف اطاله های موقتی بنگ هاسیج خاصه جداً مسدود شده امیدواریم با استقرار هم

میشد خیلی شایان نگرانی است. هم طریق اختلاف را با اطراف از دست ندهید و هم از استحقاقات عملی نگذرید. لکن عده قشون منظم ملی را بی مدافعه مستبدین خارجی هماره باید موجود نگاه دارید. بود و عهد و خوف و تهدید مستبدین قانع نشوید و هم نه نایید

امروزه عهدنامه قوای ملی بدرجه رسید. که هیچ قوتی با آنها براری نتواند کرد. از استبداد نماند مگر قالب بر روسی. مستبدین را قوای مدافعه دست از هم برداشتند تا چه رسد به مهاجمه. خوف نه نماند و مرعوب سخنان تو خالی و امیدوار هوا بعد هر قوی حکومت باغ شاه نگردید

غیرمندان پوشهر مارا امیدوار بهای بسیار بمل و دانش و اطلاع شما از اوضاع زمان است. اکنون بهترین مقام امتحان برای بروزیافت و قابلیتتان رسیده ظن نیک مدت را نسبت بخود تبدیل نمائید. مذهبین خوشخط و خال را محل اعتماد قرار ندهید. دورویان را کارهای ملی نگارید. فرداست که یکفره دو اسبه از اداره استبداد بجانب خلیج شتاند. مبادا خود را سگرفتا مگر وحیه وی نماند و او را بخوبستن راه دهید. چون سالها در بنادر حکومت داشته راه و چاه را بیکو مبداد ورگ خواب همه را در خلیج شناخته قطعاً به رت خلل در کارهای ملی شما تواند گردید. مرکز تصدیر مکتبید که مأمورین حکومت باغ شاه که همی در استبداد گذرانده و عشق شان از صدقه استبداد است مشروطه خواه شود. یاد آورید که چگونه مستبدین اطهار خضوع و خشوع میکردند و چطور بعد از انهدام مجلس معصوم با مشروطیتین سلوک بودند وارد خواهد شد شما در لباس شیلی و با بزید. و همبندگی بر شما مسلط شد میداید که چه صورت کسب خواهد نمود. تا من ست شما را متنبه فارم و با شاست که پس از فوروقامل عمل نماید. مأمورین اداره استبداد را همه شناخته اید که نه حکومت میداند و نه وطن میشناسند مشروطه خواه هم ناخند باغ نیست

طمس بیثنی در ضمن بحث راجع خلیج فارس و قبضه مات ر بندر عباس و پوشهر بنویسد. که دولت

انگلیس باید قوای بحری خود را در خلیج فارس زیاد نماید و رأی می میدهد که دستة جهازات جنگی شرق هند قیامشان در ساحل عینی چه حاصل دارد

« جلد لاتین »

هم قلم محترم ما خوب است نطق (سرادورد گری) را بدقت ملاحظه نموده مسلك بر طرفی دولت انگلیس را معلوم نماید. و ما نظر با اعتمادیک بسود هموطنان خود در جنوب خاصه در خلیج فارس داریم اخبار طمس را اطمینان میدهم که مات ایران درین انقلاب اعظم وظایف خود را محافظه مال و جان رعایای خارجه قرار داده. و دولتیمان که مورث انقلابات و سبب اجحاف خارجه بنا بر اینکه مخصوص هستند در جنوب دارای هیچ قدرتی نمیباشند. ازین رو خوف هیچگونه انقلابی در خلیج فارس نمیرود. و ما بازم توجه وطن خواهان خلیج فارس را بدین نکته نازک مطوف میداریم و خواهش می نمایم که سر مشق از برادران غیور آذربایجان خود حاصل نمایند که با آن همه انقلاب و قتل و قارت و آن قدر مواجع خارجی و داخلی که آنها را بود و آنچه به راه حوش مأمورین همایه ادا موضع مداخلت بخاچه ندادند

(۳ ربيع الاول ۷۹ مارچ)

مخبر روزی از طهران خبر میدهد که مشروطیتین حاشك - شیراز - همدان را نیز قبضه خود آوردند روز نامه (اتیسس) میدویسد که خبر قبضه مشروطیتین بر شیراز ووشهر تصدیق شده. حال رحان طایب خارجه بر حسب مأمور است امسالی وشهر پس از تصرف ادارات دولتی یکی از همای شهر ر حکومت داده و كرك را تصرف نمود. اقطاعات محلی چنانچه شایسته است رفرار میداند. لطف ایجاب است که در بندر عباس هم اهالی همین مسلك اختیار نموده اند

« جلد لاتین »

مکوری چشم مستبدین و برخی ز هوا داران استبداد که ایرانیان را قالی و لایق اداره مشروطیت نمی گفتند. ایرانیان درین انقلاب جنبا بروز ایستات و تمدن دادند خاصه در مقامیکه قبضه مات آمده که نه تنها زبان دشمنان مفرض را بسته بلکه دوست

ودشمن را معرف ایافت و قابلیت خود برای بالاتر از مشروطیت قرار دادند. اصول اداره گردانی و حسن انتظام و بروز تمدن را بدرجه کمال ظاهر داشتند، و بر طلبان نمودند که تمام افتخاش و قتل و قارت و وحشی گریها و هدم آثار تمدن که درین قرن در ایران نمودار گردیده از شأمت اداره استبداد قاجاریه بوده، و روزه ملت ایران در هر عهد و مطابق هر زمان شایسته هر گونه استقلال و آزادی بوده و هستند امیدواریم ازین بعد ایرانیان مانند ملت واپون درمبادین تمدن و ترقی دوست و دشمن را معرف خود قرار دهند

از قرآنی چنان معلوم می شود که شیراز را جناب اجل صولت الدوله ایلمسای قشقانی قبضه نموده یا به تأیید و کک او اهالی متصرف گردیدند ایل قشقانی دارای صد هزار در خاه و میگویند که صد هزار سوار میتواند ندارک نمود جناب صولت الدوله از جندی باین طرف دست اتحاد یا آقای مصمص الساعنه داده بود و جناب صولت الدوله همه گونه تأیید بحضرت حجت الاسلام آقا سید عبدالحمین لاری داشت

پروست حضرت آیه الله بحجف اشرف

(بتوسط انجمن سعادت ایرانیان سفرای دول)

مقام ریاست روحان اسلامیه ایراییه باقتضای وظیفه مقامیه خود خواطر آنجا را مقوضه میخزاهد که ایران نظر باستقلالیت تامه که دارد تمام معاملاتی که از قبیل استقراض و رهن و امتیاز و هر نوع مقاوله را که امضاء نکرده و موافقت با قانون اساسی نداده باشد و با حکومت قاصبه حاضره مانقد شود مقتضای بند (بیست و دوم) و (بیست و چهارم) و (بیست و پنجم) قانون مزبور معتبر نخواهد شمرده. همانا خواهرانی که در خزان طهران موجود است متعلق است به مال ملت ایران است و هر گوه رهن راجع لها و مقاوله و امتیاز دیگر که با هر دولت یا بانک اجنبی صورت وقوع یافته باشد بحفظ حقوق مالکیت خود صحیح و معتبر ندانسته همه را کان لم یکن خواهیم شناخت مستقیمی آنستکه این معروضات را

بحکومت متبوعه خود تبلیغ و احتراطات صمیمانه طرا که هرگز دوی نقص و زوال نمی یابد به صوت مخصوص به پذیرد
من الاحقر عبده الله للاندروانی
من الاحقر محمد کاظم الخراسانی

احکام حضرت آیه الله در توصیه

(متحصنین طهران)

عموم برادران دینی و فقهی الله و اظهار میدارد اکنون که جمعی کثیر و جمعی فقیر از اجبه عالمی اعلام کفرانه امثالهم و سایر طبقات اتم محض قنوت و غیرت اسلامیت و اطاعت ملیت و توفیات و صیانت مملکت و اشاعه عدل و داد و رفع ظلم و بیداد و مطالبه حقوق مسلمین رنج را بر راحت مقدم داشته علم حمت افراشته در این سردی زمستان ترک خانان کرده بزایوه متفلسه حضرت عبدالعظیم علیه السلام و سفارت علیه عنایه متحصن شده اند بر جمیع مؤمنین واجب و متحنم است که هر کس هر قدر و هر طور متذکر است همراهی از ایشان نموده با اتفاق و انحاء قطع ریشه استبداد نمایند تا از برکات حجه عصر ارواح الطالبین فداء موحیات آسایش و رفاه ملت و حفظ مملکت حاصل و رفع ظلم ظالمین و شر معاندین دین شده زیاده بر این امراض و اموال و نفوس مسلمین تلف نشود انشاء الله تعالی و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم (من الاحقر عبده الله للاندروانی)
(من الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی)

پروست جناب ستار خان سردار ملی

طرفداران شاه در محاربه خود شان با طرفداران ملت بموش مقاومت درمقابل آزادی طلبان و مساوات خواهان در نهایت وحشیگری و بربریت مجرم بدعات بیطرف صرف و ستمدیدگان بی لشکر که بامورات اداً مداخله نکرده اند آورده اموالشان را قارت اطفالشان را شهید میکنند تمام ظلم متمده را باین ظلمها و وحشیگریهای بیرحانه بشهادت طلبیده پروست سخت مینایم در جلوگیری از این وحشیگری بدعائیان و مظلومان بیطرف که دل ما را خون حشرده ترحم فرمایند (ستار خان)

کلیه امور اداره با
 مدیرکل مؤیدالاسلام است
 هر دو شنبه طبع
 و سه شنبه توزیع میشود
 روز دوشنبه

المبتلیک

۱۲ رویه -- ۷ رویه
 ایران و افغانستان
 ۲۰ قران -- ۲۵ قران
 عثمانی و مصر
 ۵ مجیدی -- ۳ مجیدی

تکلیف فوری

اکنون سنگ ما امیدی بیشتر آرمان دولتبان از فتح تبریز اسابت نموده و تمام ابرق قیام و هیجان ملی تمام سرحدات روس و انگلیس را احاطه کرده کار را باید یکطرفه نمود که خدای ما کرده بهانه مداخلت برای خارجه پیش نیاید اگر چه ملت مجیب ابراف تا کنون ابواب هرگونه بهانه را بروی خارجه بسته اند ولی اینک که مستبدین وطن فروش دو اسبه می نازند که بهر وسیله ممکن شود خارجه را دخالت دهند هیچ جای شبه نیست که اگر چندی دیگر کار بدین منوال ماند دولتبان بای مداخلت خارجه را در وطن عزیز ما باز خواهند کرد فرض از هیجان ملت دو نکته است اول - ثبوت بر تمام مال و دولت تمام خلاف قول این جوان مصروع را که ملت طالب مشروطه نیست و این مقصود بخوبی حاصل آمد

دوم - جلب حقوق منصوره ملت بقوای قاهرة ملی ورنه اگر این مقصود فوری حاصل نشود بلاشک اوضاع کنونی ایران بر هرج و مرج مملکت خواهد افزود و داعی ر ملوک طوائف که مضارش از استبداد کم نیست خواهند شد و طبیاً اسباب بهانه خارجه شده دخالت در امور داخله ما خواهند کرد

پس اولین فریضه ما به ختم این مقاله و رفع هرج و مرج مملکت است و آن منحصر میباشد بر اینکه سرداران ملی بدون یک دقیقه فوت وقت هجوم بطهران آورده درخت کهن سال استبداد را از ریشه برکنند و ذره سرف نظر ازین حسن موقع و مقتضای وقت نمانند، دولتی طرف، قوای استبداد محدود و معین، خزینه خالی، افراد مستبدین از بزرگ و کوچک سرعوب، اهالی طهران مستعد همه گونه و همه قسم هیجان، میتوان گفت موقتی بهتر ازین در تحلیف حقوق منصوره برای ملت پیش نیاید، کلیه هیاتهای همسایگان و بلتیک بازی دولتبان پس از قطع استبداد تمام میشود، ولی

میتوان بقین نمود که پیش آمد سیاست فردای دول چه پیش آرد، و بلتیک همسایگان چه اقتضا نماید چون درباریان طاقت و حلم خود را دیده دانسته اند که امروز نه فردا قشون میلی طهران را بمحاصره خواهد انداخته و زمزمه ساح دروغین بلند کرده منتظر نتیجه تبریز بودند که از یک طرف ملت را از هیجان باز و از طرف دیگر بلکه فتح تبریز راه مفر و چاره برای آنان پیدا نماید

اگر ملت باین سخنان تو خالی دست شود صد درجه بیشتر از صلح میدان توپخانه زیان خواهد دید، اگر این جوان و طفلان هفتاد ساله دربار طالب صلح با ملت بودند باید پارلمان را اول افتتاح نموده وقتی که وکلای ملت جمع شد گفتگوی صلح را پیش کنند

ما نباید با این ستمسایک حکومت باغشاه بوزل امیر بهادر راضی است قناعت نمانیم تا این جوان طالت تاج و تخت ایران باشد هر ساعت یک امیر بهادر جلو ملت خواهد تراشید مگر امیر بهادر را از دربار اخراج نه نمود؟ چه قدر ما ساده لوح خواهیم بود که باین سخنان دل خود را خوش نموده آرام بگیریم، و چنین موقع مهم و نیکو را از دست دهیم، ملت باید همین قدر ماتمت باشد صکته واسطه صلح کیانند واسطه صلح روسیه درباری و ایساکوف و روسی پرستانند و هیچ غرضی جز پیش بردن اصول استبداد و معطل نمودن ملت و سرگرمی آحاد به این سخنان و اگر بتوانند بدنام کردن ملت و دعوت خارجه بداخله ندارند

اگر طالب صلح بودند بدوا خون ریزی آذربایجان را خاتمه میدادند، از یکطرف سخن صلح بر زبان جاری کرده از طرف دیگر آب و نان بروی اهالی غیور تبریز نمی بستند زن و بچه بر طرفا را نمی کشتند، برای دخالت خارجه اجحاف و تعدی بر تالی ایلیه نمی نمودند

ای احرار غیور ای دانشمندان خارجه و داخله ایران بدانید و آگاه باشید که این زمزمه صلح و آشتی و این تزیین صلح نامه سر تا پا زیان نیست مگر برای فریب

و دقای شاه نیست مگر برای معطل داشتن شاه متوسل
 بان دسپه شده اند مگر برای نجات خود از عقوبت
 ملت بی اینک که آذربایجان مفتوحات کامله نائل
 گردید اینک که از سه طرف تدارک حمله بطهران دیده
 می شود پیش ازین ها هم از صلح خواهی خواهانند
 نیز ازینها واسطه خواهند انگیزت ولی مات باید
 یاد از آن قسمهای مقلظه و عهد و پیمانهای سابقه
 به ناپد ملت باید وفا و فریب های گذشته آنها را از یاد
 نهد ملت باید زحمت و صعوبات فدائیان خود را فراموش
 نکند ملت باید حقوق شهدای وطن را در جلوروی
 گذارد اگر ملت باین سخنان بی منزلت قانع گردد چه
 قدرانی از فدائیان خود کرده؟ چه حرب خونخواهی
 ایشان را نموده است؟ ما هم طالب صلح هستیم ولی
 صلح با شرف و صلح با شرف برای ملت وقتی حاصل
 تواند شد که برای فیصله مواد صلح بدوا مجلس مقدس
 در طهران بقوه قاهره ملی قائم کرده و مواد صلح را
 وکلای ملی موضوع بحث قرار دهند گوی نیاید خورد
 آنچه فریب و دقا باید از مستبدین بخوریم خوردیم

اولین وظیفه ملت قبضه طهران و افتتاح پارلمان
 است، روسیدان دویاری همی طوالت هرچ و صریح و
 بدست آوردن بهانه و راه نجات برای این جوان وطن
 فروش دست آموز خود این نیرنگ نازه را ریخته اند،
 اگر حکومت بافتشاء طالب صلح بود اول دایمان احرار
 و قاضین ملت را که مانند ستارگان در اروپا منتشر
 اند طلب می نمود، و مستبدین بدگیش را از دور خود
 براگنده میگرد

گذشته بر این قبل از آنیکه حجج اسلامیه و حضرات
 آیات الله نجف اشرف توبه این قتال للمسلمین را قابل قبول
 نکنند گفتگوی صلح بین چه و صلح با که خواهند کرد،
 هج تیار نیست، هج بازیگر خانه است، هج مردمان
 ساده لوحی را پیدا کرده اند

چون ملت را تجربه بسیار حاصل آمده و فشار
 استبداد تا درجه آنها را بهوش آورده باید مراقب
 باشند که گول مندیین را نخورند و این موقع نیکو را
 ز دست ندهند محاسن باقوای ملی عنقریب دایر میگردد
 پس از امسال مجلس اگر وقت مقتضی باشد محبت از
 صلح خواریم داشت

الله حالا ملت دانست که وکیل از برای چه کار
 باید انتخاب شود هر یک از وکلای پارلمان امین و حافظ
 حقوق وطن یعنی مملکت وسیع ایران و جهل کرور
 ایران است، اولاً باید آن قابلیت را دارا باشد که
 حقوق ملک مملکت و ملت را بداند و قابلیت محافظه آن

را هم در خود به بند درین موقع رأی دامن بوکالت
 یک شخص غیر لایق حقوق ملک ملت را شهید
 کردن است.

اعظم و شایسته ملیه قبل از وقت بدست آوردن
 وکلای سلیم النفس معتدل المزاج لایق وطن پرست است،
 اگر اهالی هر ولایت و باشندگان هر ایالت افراض
 شخصی یا ضمنی فانی را کنار گذارده ازین خود شش
 نفر یا دوازده نفر وکیل لایق میتوانند انتخاب نمود
 بر فرض سکه بین خود هم سراج نداشته باشند از
 همسریان خود در سایر بلاد ایران یا خارجه لابد پیدا
 توانند کرد گیرم از اهالی آن شهر هم نتوانند
 کسی را جست از اهالی سایر بلاد که در نظرشان
 لایق و قابل باشد انتخاب نمایند، فرض این است مزار
 بعضی وکلای جاهل خود فرض را در دوره اولیه
 پیش نظر گرفته بر خود و ملت و وطن خویش رحم
 نموده و سکیلی انتخاب کنند که باری از دوش برداره نه
 سربار ملت گردد، خوب است احمدنهای ملی برای تذکره
 خاطر ملت قبل از وقت فیرتی از اشخاص لایق
 الوکله مرتب نموده درجراوند ملیه اشاعت دهند، پیشتر
 باید ایرانیان لایق قابل که در خارجه و تا درجه کسب
 معلومات نموده اند جلب بداخله نمود که یکی از منافع
 عمده ایران امروزه همین است

اتروریو یا بیانات شفاهی

حضرت سردار اسعد

یوم دو شنبه ۲۱ صفر پس از استیذان در آج
 محل (هوتل) که بهترین میخانه های هند است بحضور
 مبارک سردار اسعد آئل آمده، سوالات چند نموده
 بر طبق هر یک جوابی شنیده، اینک برای درج در نامه
 مقدسه ارسال میدارم

سردار اسعد پسر مرحوم حسین قلیخان شهید و
 برادر کوچک جناب مصمص الساطه است فرانسه و
 انگلیسی و عربی را بیکو میداند فارسی زبان امی اوست
 دارای چند ترجمه و تالیف میباشد چند سفر با اروپا
 رفته و مدتی درام داشته واقف بمنظیرت زمان و طرف
 بمواقف دولت خوش گو و خوش اخلاق و خیلی با
 ملاطفت است بدو ملاقات فرمودم، تأیید که زیاد
 بر یک - مدت فرصت دردم چه باید بری بدینی دیگر
 حاضر باشم پس در صرف یک «بجاس» چای شروع
 صحبت شد

سوال - وقت چه ساعتی درین موقع مبارک
 ایران بچه آمد و آمده است؟

جواب - اصلاح امور مملکتی و حفظ شئون ملی و دولتی شش هزار ساله خودم
سؤال - از ملاحظه جرائد چنان معلوم شد که جنیدی قبل از طهران جنابالی را با مواعید بسیار طلب نموده عذر عدم محبت آوردید
جواب - راست است چون مرا برای خدمات شخصی میخواستند حاضر نیومدم ، اینک در خدمات نوعی حاضر شده ام

سؤال - آیا شما یا دولتید یا بر دولت ؟
جواب - ما سلسلهٔ بختیاری از پستان بیچولت بر دولت نبوده ایم ، چهاره خدمت سلطنت ایران را نوما از وظائف مقدسهٔ خود میبخاریم

سؤال - چه میفرمایید در اختلاف ملت و دولت و انقلابات کانونی ایران ؟

جواب - به نظر من هیچ اختلافی ملت با دولت ندارد ، و این هیجان حقوقی هم بیست مگر برای استحکام قوایم سلطنت ، سحر بزرگ این است که حقوق طلبی ملت تعبیر به اختلاف با دولت می شود اختلاف ملت فقط با اشخاص مخالف حقوق ملی است

(ولتر) فرانسوی میگوید : هر اختلافی تصادم به اختلاف روح کند نتیجه اش اصلاح شئون است ، در جای دیگر میگوید : قدر و بلوا در سورنیکه برای حفظ حقوق باشد مقدس است

سؤال - این هرج و مرج مملکت اسباب مداخله اجاب در ایران نتواند شد ؟

جواب - پتیک کنونی آسیا هیچ بله از دول همجوار را اجازه دخالت در امور داخله ما میدهد ، و ملت ایران از آغاز مشروطیت هم خود را در حفظ حقوق اجاب مصروف داشته ، و اکنون راه سهاله ماها نداده ، صرف نظر ازین بنا بر اصول اقتصاد که میزان کلیه معاملات سیاسیون امروزه سیاست هر دولت که مداخله در امور داخله ایران نماید صرفه نتواند برد ، چه ملی که باشاه موروثی هم مذهب ولت خود برای انحراف از یک حق مشروع تا این درجه فدا کاری نباید اجاب بسهولت و آسانی میتوانند شرف ملی آنها را بیابال سازند خصوصاً درین موقع که سیاسیات ایران بقسی مزوج بشرحیات شده ، حکه افشاکش محال است صرف در سیاسیات ایران عیناً صرف در شرعیات اوست و این نکته به چیزست که سهولت از کلهٔ ایرانیان بتوان خارج کرد ملی دو نکته محل ایراد اجاب نتواند شد اول اجحاف مستبدین بحقوقی آسا و مضرت این پیشتر باید بخودشان است ،

تانی اگر این هرج و مرج تا زمانی دراز باقی ماند و غالب و مطلوب معلوم نگردد و به تجارت همی خلل فاحش وارد آمد ممکن است خارجه باسم حفظ منافع تجارتی واسطهٔ ذات‌الین و اصلاح گردد ، چون من از قوای طبیعی ایران واقفم و امروز تمام طبقات ایران بحقوق طلبی قیام نموده و نکتهٔ حب الوطنی و شرف مابت و استقلال و آزادی مشروع را فهمیده اند چندان لطوفی از حلهٔ اجاب ندارم و محسایگان فی فراست ایران این نکات را بخوبی استنباط نموده اند

سؤال - اگر شاه پارلمان بدهد ، انقلابات ایران وضع می شود ؟

جواب - بی ملت و از جز پارلمان و همان قانون اساسی و انتخابات ایدا منظوری نیست چنانچه از هر نقطه که بیرق حقوق طلبی باشد حز این نکته از دیوار خواهرش نشده است

سؤال - شاه ایرانیان را قابل گرهاندن اداره مشروطه میداند ؟

جواب - شک نیست که درجهٔ تعظیم ایرانیان بطوم و قون جدید از اروپاییان امروزی کتر است ولی آنچه بله ملت را پیشتر قابل مشروطیت میدارد سویزیشن است و هیئتوار گفت سویلز ایرانیها از سایر ملل اروپائی کتر است ازین میتوان تصور نمود که تنها ایرانیان قابل مشروطیت نامند بلکه میگویم جز باصول مشروطیت ازین و بعد محال است در ایران بتوان حکومت نمود

سؤال - آنچه شهرت در دین بتازگی شاه اطمینان مالی و جانی از ملت خواسته که باعطای مشروطیت به بردارد ، آیا ملت بشاه اطمینان مالی و جانی میدهند یا نه ؟

جواب - ملت ایران هیچوقت قصد سرپی نسبت بشاه نداشته و نخواهند داشت ، اما اعطای مشروطیت از الفاظ غلط است چه مشروطیت ایران را مرحوم مظفرالدین شاه کبیر اعطا نمود یا ملت حاصل کرد و رسماً ایران مشروطه است ، ملی اگر شاه بخواهد با آن خائنین دربار چون سابق کارشکنی نمایند ، چون تجربهٔ ملت بدرجهٔ کمال رسیده خارج از امکان است ، هرگاه قلب ماهیت و رفض مخالفت شود ملت را هیچ کاری با شخصی سلطنت نیست ، ملت جز اجرای قانون اساسی و پای بندی بمواد آن نخواهند این در صورتی است که قبل از حلهٔ بطهران پارلمان را منعقد دارد ورنه نتیجهٔ بعد از حلهٔ بطهران را نمیتوانم قبل از وقت بیان کرد
سؤال - حلهٔ بطهران سهولت برای ملت میسر است ؟

جواب - اقدامات سرداران ملی تا امروز مبنی بر تبه درباریان بوده که کار منجر بحمله طهران نشود، در صورتیکه حکومت باغشاه متلبه نشود در حمله بطهران اشکالی پیش نتواند آمد، چه اصالی طهران تمام حامی مشروطیت و از ظلم مستبدین بستوه آمده، و قشون قابل مدافعت هم در باغ شاه نیست، و باندک مدد خارجی طهران مسخر تواند شد، اشکالی در حمله بطهران اگر هست عموماً پروت موافقت است، بلکه آنها تا یکماه دیگر رفع خواهد گردید.

سوال - شایده می شود که با محصه از ایلات بختیاری طرفدار سلطنت اند و انجمنه قوی آنها را تجزیه نموده است
جواب - ناجائیکه با بعد دار اطلاع دارم فردی از افراد بختیاری نیست که حامی سلطنت نباشد، بختیاریان آن ملت نجیب اند در ایران که هماره بدون اغراض شخصی خدمات صادقانه بدولت نموده اند و خون ابرایت را از عهد ساسان و ابدان خود بی غل و غش می بندارند، ابرار وطن خود و خود را شریک سلطنت ایران میدانند، قیام کنون آنها هم مبنی بر خیر دولت است بطریق نوعیت چه خوف آن میرفت که اگر سکوت نمایند و بی طرفی اختیار کنند خلل عظام بر استقلال ایران وارد آید، واجاب دست بی حرمتی بر دامان ما در وطن عزیزشان دراز نمایند، و اگر این خوف دامنگیر شان نبود و خللی نارکان دیانتشان وارد نمی آمد از مسلک بی طرفی خود تجاوز می نمودند، اینکه اختلاف ایل بختیاری را درین قیام اخیر ذکر نمودید اگر چه دور از مرکز ولی بناه تجربه درین خود میتوانم بشما اطمینان بدم که در ایل بختیاری و رؤسای آن هیچ وقت اختلاف نگه نبوده و کمان ندارم که سایر اغراض شخصی در امور خیریه نوعیه و دینیه اختلاف نمایند، حضرت مصمص الساعده که برادر بزرگ من است اهم از برادران و برادر زادگان افراد بختیاری ایشانرا به نظر بدری مینگردند، معذک نظر به تکرکرات تازه که دارم قطعاً این اقواء را قابل تصدیق میدانم تمام بختیاری متفق الکلمه در اتباع و امر رؤسای روحانی خود و جناب مصمص الساعده هستند.

سوال - پس از قلع و قمع استبداد آیا امنیت در ایران حکم فرما تواند شد، و سرداران ملی پیروی از احکام پارلمان خواهند نمود؟

جواب - اگر چه هر صفحه از کتاب پلتیک و حکمی جدا گانه است، ولی از پیش آمد کار که تا کنون مشاهده شده هیچ یک از افراد ملت و رؤسای ملی را اغراض شخصی نیست، اگر چه در مراکز عدیده مردم قیام نموده، ولی تمام بیکصد خواستگار

قانون اساسی و افتتاح پارلمان اند و تمام این سداها بر اثر یک صدایی مقدسی است که از مرکز تشیع ایران یعنی نجف اشرف و حضرات آیات الله که رؤسای روحانی تمام شیعه مذهبند بلند شده مسلم است، که آن موالیان مضار ملوک طواغی را دانسته نخواهند گذارد که اختلافی پیش آید، فرضاً هم که یکی انحراف ورزد بجهار سطر حکم حال وی هزار درجه بدتر از حال امروزه حکومت باغ شاه خواهد گردید.

پس از این بیان فزنگ زد، ملتفت شدم که وقت من تمام شد برخاسته مرخص گردیدم.

اعلان نامه از جانب انجمنهای

احرار آذربایجان، گیلان و اصفهان

که بصورت توأم اشاعت یافته

نظر فتاوی حضرات آیات الله نجف اشرف ادام الله ظلالم - اطاعت احکام حکومت باغشاه و قبول خدمت از دربار استبداد علی ای نحوگان در حکم پیروی از بزیه این معاویه و محاربه با امام زمان است، با اینکه در این موضوع احکام عدیده از آن موالیان صادر گردیده باز برخی از ملت کشان سست عقیدت محض جلب منافع دوروره اعاده بظلم کرده، قوای استبداد را محکم خواسته و در بنوق خط الرجال هزار نیرنگ ریخته تا بسطه خدمات استبداد پرورانه و با به پیشکش و تقدیمی جلب مقام و عهد می نمایند و همین که بمراکز مشروطین رسیده و یا غایبه مشروطین را دیده خویشتن را مشروطه خواه وطن پرست و ملت پرور و دیانت شعار با که مقلد و پیرو حضرات آیات الله مینامند، و اینها نیستند جز مذبذب و خود خواه و دین فروش و ابن الورقه، ادا قابل اعتماد و اعتبار مات نترانند و قمع گردید باینکه خائنین خدمت جاروبیکشی دادن ویشه نکات کنند است.

لذا محض اتهام حجت اعلام می مایم، که پس از صدور و اشاعت احکام حضرات آیات الله نجف اشرف ادام الله ظلالم هر کس کسب مقام و عهد از حکومت باغشاه و اداره استبداد باید پس از غلبه حق بر باطل و ظهور دولت مشروطه عادلانه که علی الرغم اینگونه دو رویان شیر و با بزیه خواهند گردید بوقت قبول نخواهد شد، ادر در ایام مأموریت خود مرتکب جنایتی خاص شده باشند قطعاً سزا خواهند یافت، ورنه بسزای آنکه بخلاف ملت و وطن کشی و مخالف احکام حضرات آیات الله خدمت قبول کرده مادام الحیات در اداره مشروطه خدمتی به او رجوع نخواهند و در جواب توبه و انابه و ندامتشان (الآن قد ندمت ولا یفیع الذم) خواهند شنید.

تقریباً دو هفته است تعطیل عمومی از بازار و کاروانسرا و حجرات و غیره در طهران حاصل است و همه از اهالی بازار و حکمه و اصناف ملحق به متحصنین حضرت عبدالعظیم شده اند و عموماً جهت بقعه متبرکه که از شهر حرکت نموده تمسک اختیار کرده اند بالغ بر پنج هزار فرست ، متأسفانه اهداء التوبه که متولی آنهاست به امر حکومت باغ شاه سخت گیری زیاد از حیث منزل و آذوقه و غیره مینماید ، و بالغ بر هفتاد هزارم و قزاق در همه متبرکه است ، ولی مقصود شان معلوم میباشد .

پس از حصول تعطیل عمومی همه عده کثیری ملحق به متحصنین شده حکومت باغ شاه ملاحظه نمود که اگر ده روز اهالی طهران به این صحت حرکت نمایند به شاهزاده عبدالعظیم جمعیت متحصنین بالغ بر صد هزار خواهد شد ، و کار بر دولتیان سخت خواهد گردید ، این بود که دو روز بعد از تعطیل عده کثیر و اندرام و سرباز و قزاق و سوار دم کار و طابین و تمام دروازه هایکه سمت شاهزاده عبدالعظیم بود در راه گذاشته و جداً اهالی را دعوت میکردند از آمدن و بقعه متبرکه ، حتی چند روز بکلی باب مکاتبه و مراسله با طهران هم موقوف شده بود ، دولتیان این پیشرفت را که از خود دیدند رجسارتشان افزود ، لهذا مردم بی چاره بازاری را از منازلشان با قوه حیره بیرون کشیده و مجبور به بار کردن دکان نمودند ، مصداق اهالی زجر و اذیت و حبس را ترجیح میدادند از باز کردن دکان و بر شرفی خود را نجات کردن .

روزی که شب ۲۹ محرم قریب بیست دکان جنف سزه بدن که سمسار بودند و از عداد اصناف خارج قوه حیره مجبور از باز کردن دکان خود میشوند ، تقریباً یک ساعت بظنر مانده علی الفلک نارنجک یا بمب از بام بازار به سمت دکان حکین انداخته میشود ، ولی اندازده کی بود و مقصودش چه معلوم شد ، از قرار مسموع از شعبه انجمن سری مجامدین اسلامی بوده بهر حال دکان مزبور بالکله بسته و صاحبانش غنی میشود ، فردای آن روز که چهار فر از متحصنان سفارت عثمانی که مستخدم ملت بود و واسطه پیغامات از سفارت خانه بخارج ، صبحی از سفارت

خانه بیرون آمده سوار درشکه شده بطرف بازار میروند ، در سزه میدان از درشکه پائین آمده عقب کار و خیال خود تازم میشوند ، درشکه چی را پورنچی بوده فوراً به ژاندرام ها میگوید که این اشخاص از سفارت خانه آمده اند (نظر محکی که از مقام استبداد صادر شده بود ، اشخاصیکه ر سفارت و حضرت عبدالعظیم بیرون آیند فوراً دستگیر شود) این بود که ژاندرام ها اشخاص مذکور را که اسمعیل خان تبریزی و اسمعیل خان طباطبائی و میرزا باقر خان و میرزا ابوالقاسم خان بودند با اتهام بی و نارنجک دستگیر ساخته و اداره اظمیه رده زنجیر کرده به باغ شاه رده ، شاه سؤال می نماید کجا بودند و چه کاره هستید ، اسمعیل خان تبریزی میگوید از متحصنین سفارت عثمانی هستیم و از برای تحصیل آذوقه و غیره آمده ایم ، شاه می پرسد هنوز هم مشروطه طلب هستید؟ اسمعیل خان میگوید بله ، تمام ذرات این آب و خاک مشروطه خواه و مسلمان هستند و باید احباب حضرت اقدس شهبازی محسن حفظ استقلال سلطنت خود و بنای مملکت دستخط آزادی ملت را مرحمت فرمایند ، فوراً شاه اندرون رفته و حکم اعدام این بی چاره ر میدهد ، چهار مرتبه حکم صادر میشود ولی میرغصهای ا ا صاف نامل می نمایند ، تا اخیراً امیر بساطر آمده ، شخصاً با دست خود خنجر بی بسینه آن جور رده و امر فوری به اعدامش میدهد ، اسمعیل خان عبور اظهار میدارد اماننامه از سفارت انگلیس و عثمانی دارم امیر بساطر نامزدان هم انگلیس و عثمانی میگوید ، آن حوال با غیرت که مرگ را مشاهده مینماید مردانه ایستاده و کشته شدن را از مجز به بی ناموسان ترجیح داده در به قله می ایستد و می گوید مردم بدانید من نه بی عزم و دهری و نه لا مدغم من مسلمان خالص و بیرو احکام آیات الله بحسب اشرف و گننام ایستد پیروی احکام نواب اطم زمان و کردام ، ای مادر عزیز وطن شامد مانی که در راه خلاصی تو به جنگ خائنین تو کشته میشوم ، ای امام زمان ، ای حجة عصر ناظر حق که محض پیروی احکام نواب تو شهید میشوم ، اشهد ان لا اله الا الله اشهد ان محمداً رسول الله ، اشهد ان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب

لا اله الا الله. زده باد قانون محمدی قائم باد مشروطیت بران،
 همینکه این اظهارات را کرد فوراً میر غضنبا
 ریاست امیر بهادر آنت غیرتمند را طناب انداخته
 حلقه ساختند، پس از آن حسد او را بردند از دروازه
 باغ شاه آویزان ساختند آن جسم طیب و طاهر را
 تیر اران و سنگ سار نمودند، و از برای عبرت سایر
 مشروطه طلبان و عدالت خواهان از ظهر تا غروب
 آفتاب دو شبانه فرقه صفر حسد آن مسلمان بی چاره
 از دار الهاره یزد ناز آویزان بود، مخبران جراید
 فرنگ با ماشین های عکاسی آمده عکس آن شهید راه
 وطن را برداشتند، مجرای که اهالی بی شرف و ناموس
 طهران هم دسته دسته رفته نهانها میکردند و مستبدین
 بی دین و زمان حال و قال میسرودند، هر کس که
 مسلمان و مشروطه طلب است اجتناب جزا اجتناب سزا
 (اللعنة على الموم الظالمين)

بالجمله بنا بود آنت سه فر دیگر را هم بتدریج
 مسموم سازند، اشخاص مذکور از سفارت انگلیس و
 نمایان نامی داشتند و میرزا ابوالقاسم خان از
 سفارت اطریش، خبر دستگیری این اشخاص و
 اهدام آنت بی چاره را بسفراء مذکور رسانیده
 فوراً پروتست سخت نشاء و وزیر امور خارجه
 نمودند، مگر این اشخاص در تحت امنیت ما
 هستند، چنانچه تقصیر با جنایتی از آنها صادر شود
 باید با حضور نماینده سفارت خانه در وزارت امور
 خارجه استنطاق شود، و الا مردمان مظلوم بی چاره
 را و حرم مسلمان و عدالت طلبی دستگیر کردن و
 کشتن و هیچ قانون از قوانین ظلم درست نمی آید، و
 هجائاً اسباب محاسن آن بی چاره ها از کشته شدن
 حاصل گردیده و شایسته است عصر شایه و صفر آنها را
 بیاورد از باغ شاه به وزارت خارجه استنطاق نمایند

در باب اسمعیل خان شهید راه وطن سفارت انگلیس
 سخت ایستاده که به کدام قاعده او را کشته آید، شاه منکر
 شده است، که من مسبوق بوده، امیر بهادر جنگ
 این کار را کرده قبلاً مشغول مذاکره هستند تا خطا
 چه خواهد، اشخاصیکه در طهران امنیت از
 سفارتخانهها داشتند بواسطه عدم اعتبار قول دولت تمام
 به سفارتخانهها یک نمایان نامه داشتند بناهتند گردیده
 اند، و نگارنده هم واسطه پیوسته قصد یک کار گذاران

دوات داشتند و در صدد دستگیری بود چهار روز
 است که در سفارتخانه امپراطوری اطریش و مجارستان
 بناهتند و متحصن هستم و جناب وزیر مختار هم خود
 پروتست سخت تا حال کرده اند، در باب بنده ولی
 هنوز جواب نیامده

حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای سید علی
 یزدی دام ظلّه کما فی السابق در بقعة منحصه مشغول
 اقدامات اسلامی و ملی و وطنی خود هستند، متحصنین
 سفارت نمایان هم زیادند، ولی وزارت مختار خلیل افعال
 و تسامح دارد، و گمان بعضی دولتیان او را بخفته اند،
 نظم شهر را هم از روزیک تعطیل عمومی شده مجدداً
 به بالکونیک داده اند، حکم جدید از حضرات آیات
 نجف اشرف رسیده که ذیلاً می نگاریم

« دستخط مبارک حضرات آیات الله نجف اشرف »
 (در حق متحصنین حضرت عبد العظیم)

خدمت جناب مستطاب شریعتمدار عمدة العلماء
 الاعلام حجة الاسلام آقای آقا سید علی آقای یزدی
 دامت برکاته - احکام صادره از این مقام شرع امور
 بر وجوب اهتمام در مشروطیت دولت ایران و تشکیل
 مجلس شورای ملی عمومی و حرمت دادن طالبات
 بحکام طالبه بلاد حیماً صحیح است و صادر از دایمان
 است و نسبت صدور ناسخ احکام منوره از مرحوم
 مقدس آية الله آقای حاجی قدس سره و این حادثان
 شریعت مطهره از اکادیب و فقرات است، چگونه رفع
 ید و امراض از چنین عمق عظمی که موجب قطع
 قدمی و ارتکات دلخواهات ظالمین و متوقف عابه
 حفظ بیضه اسلام است ممکن و صدور ناسخ در چنین
 امر واضعی که از اطهر ضروریات دین مبین است
 محتمل الصدور تواند بود، انشاء الله تعالی شرح مراتب
 معروصه را بموم مسلمین ابلاغ فرموده با کمال اتحاد
 و اتفاق که در افتاد احکام الهیه هنر نامه بذل جهد
 نمایند، تا بعون الله تعالی و حسن تأیید نفوس و امراض
 و اموال مسلمین پیش از این تاق نشود و این تقیه
 عماله اسلامی از استیلاء و تصرف کفره مصون ماند

انشاء الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
 (الاحقر الجونی محمد کاظم الخراسانی)
 (الاحقر عبده المازندرانی)

و بهین عنوان توسط جنابان مستطابان محمدی
 المشاهیر الاعلام ملائی الاسلام آقای حاجی سید محمد امام
 زاده و آقای صدرالعلماء دامت برکاتهما که در سفارت
 علیه نمایه متحصص اند ، حکم صادر کردند .
 ﴿ حریضه است که متحصنین حضرت عبدالنظام ﴾
 (توسط حجة الاسلام آقای آقا سید علی بزدی)
 (پشاه فرستاده شد)

موقع حایه دولت و ملت ایران جنائک در نظر
 مهر اعتلاء اقدس اعلی مکشوف است قدری حرج و
 مشکل واحول مملکت قریب بدختر گردیده که از روی
 ماجری دماغویان مجبور شدیم که زاویه مقدسه ملتهی
 شده حقایق شدید اوضاع ملکی را بدون هیچ برده بوشی
 به موقف عرض برسانیم ، و استرحام ملوکاه را نسبت
 دولت و ملت استدا کنیم ، بدخترانه تمام آنچه تاریخ
 اسباب نکبت و فلاکت یک مملکتی را از دربار ضبط
 نموده امروز کاملاً در این خاک فراهم گشته و آن مان
 در ازدیاد و اشتداد است ، فاق بین ملت و هیئت دولت
 خصوص در ایالات آذربایجان ، استراباد و اصفهان و
 فارس و غیره که بدترین وسیلهٔ هلاک ملی است موجود
 و افشاشی در اغلب بلاد بسرحد کمال ، فقر و الاکت
 هموم رعیت ، بی بولی و دست تنگی دراز دولت .

سب اعتبار در انظار مقبولین عالم ، اختلال بلاد
 و اوضاع ممالک و قساط ، تطاول ارباب استیلاء ، ظلم
 حکام و مامورین ، بی رحمی دربارین ، قتل و قارت و
 انقلاب دائر ، در بواحی و اطراف یاس تمامه از مساعدت
 دولت ، سوء تدبیر اولیاء امور ، بروز فتنه بین مسلمانان
 و غیره و غیره که در نظر رأیت اثر اعلی مکشوف است
 جسم مملکت را ضعیف نموده و قوای ملی را کاسته و
 روح ملت را گرفته ، زمان شهادت یار و اقیار را
 دراز و ابواب پشاه و دست آویز را باز کرده ، از
 طرف تشکبات منوالیه طامه نیبسان حضرات خجج
 اسلامیة عنیات طالبات را ناچار از اصدار پارهٔ احکام
 کرده و از جانب دیگر کسب و تجارت و تانایی طرق
 و شوارع نهار داخله و خارجه را بچاره ساخته متصل
 شکایت میکنند ، ارباب نمود ایران از جان و مال خود
 خاکش و از حیوة و نمود خود متزلزل و نزدیک
 شده شیرازهٔ جنیت و ملیت بگدانه گمبیکه شود و

تا ابد مورث حسرت و دامت گردد
 ! اینکه مظلومی طامت در زر مشار جیاول و
 قتل و کشتار بی رحمانهٔ جی خائنین همه عالم منتشر
 گشته و اهل عالم را برقت آورده بدخترانه هنوز همان
 جمع استحضار خاطرهایونی را از این همه ظلم و جور خواری
 خودشان طامع گشته بادشاه و پدر ماجدار مارا نیز
 گرفتار همان نوع مصائب نموده اند که فرزندان را
 از -المالیه دراز دوچار ساخته بودند و مشارالیه
 حرکات خود را تا اقراض سباط اسلامی و بدامی
 ابدی تاریخی نزدیک است خانه دهند و در آتیه
 مشق زبان بیوه و اطفال یتیم و بیکسو مخروبه یادگار
 اعمال خود باقی نگذارند

علیهذا داعیان که ارحمن نیات خسرویه و ایت
 دینداری و رحمت بروری ملوکاه کالاً مطمح همدم
 بطرحه یاس حقوق شهرماری برای ادای وطیبهٔ شرعی
 خاطر مبارک شاهشاهی را در این اوضاع ناگوار که
 مرکز مراتب دینداری و تاجداری یا شاه مهران
 راضی بجزئی از آن نیست مسبوق ساخته و حاج
 رأفت و شفقت خسروای را نسبت ملت مظلوم نموده
 مستندی میثوبیم که تآب حیات و رحمت شعلهٔ این آتش
 امروخته را خاموش فرموده قلوب شکسته و سیهای
 مجروح را باغیه و نمود ملوکاه سرهم بهد ، و چنانکه
 حضوراً در چند روز قبل به پایندگان و دماغویان
 صریحاً وعده فرمودند که تا چند روز دیگر دستخط
 آزادی ملت را عنایت فرمائند اکنون منتظریم که
 بنام نامی همیون شهرماری مجلس شورای ملی حکم
 باتفاق همه عقلا و غیر خواهان یگانه و بیلهٔ استقرار
 امن و امان و اتحاد دولت و ملت و طایفهٔ سحر کسور
 وارده بر ملت افتتاح فرمایند

﴿ استرحام نامهٔ است که احرار ﴾
 (طهران اشاعه داده اند)

﴿ بسموم ملل متدنهٔ عالم با کمال ﴾
 (توقیر و احترام اظهار میشود)
 (زدهٔ جاوید باد هموم زرق خروازان)
 (بپند ، و برقرار باد حریت و عدالت)

شرح مظلومیت و وقایع موله که از سوه اعمال درباریان دولت ایران باین ملت واقع شده است نام جراید عالم متذکر شده اند . اینک ما ملت مظلوم نظر بنوع برسی که در ملک متمدنه عالم سراغ داریم شرح حال اسف اشغال خود را باینک حالت مظلومیت ابلاغ و انهاء مینمایم

پس از اینکه این ملت مظلوم فهمیدند که آسایش و آزادی و ترقی و روح انسانی موقوف باساس مشروطیت است . این بود که هموم ایرانیان با هیئت واحده تقاضای درنگ این مقام منبع را نمودند . پس از تحمل شهادت و مقاسات بی شمار مرحوم مظفرالدین شاه این عطیت را بر حسب استدعای ملت اعطاء نموده . شاه حاضر عهد علی شاه چه در زمان ولیعهدی و چه در جنب ارتقاء باریکه سلطنت قوانین اساسی مشروطیت ایران را امضاء و چندین مراتب اصلاح رسی تمام دول در مشروطیت ایران داده و بدفعات عدیده بروفق اصول اسلامیت سوگندهای منظمه در اجرائیه قوانین موضوعه یاد نموده و بیچینک از مراتب و مضامین آرا بوقع اجری نرسانید . بلکه بوما فیوم در صدد نقض و ابطال قانون اساسی برآمده . از آنجا که نایبالت هیئت درباری همیشه در حالت استبداد و حکمرانی مطلقه بوده و چون قانون اساسی حرکات مستبدانه ظالمانه آنها را محدود میکرد . بالاخره باینک حالت مدعیه که شرح آن موجب ملالت متمدنین است پارلمان را محاصره و مسجد مارا حراب پیشوایان دین و کلاسیک ملت را با بدترین حالتی در تحت شکامه و عذاب در آوردند . و خرسی زیاد از حزب ترقی خواہ در این قضیه متول شدند . زآن تاریخ تاکنون هشت ماه است که آتش فتنه در تمام بلاد ایران مشتعل و درباریان بی رحم خان شاه مارا اغفال نموده و آدم کشی که بدترین خصایل حیوان است و داشته اند . با اینکه درباریان دانسته اند ملتی را که واقف بمقوق ملیه خود مستند مثل سیف به ارافه دماه آنها را مانع نشده و از حقوق طایب باز نخواهد داشت . و از اینجمن نیز قائلند که ضعف و انحلال ملت عاقبت اسباب اضمحلال و انقراض خود دولت خواهد گردید . علاوه از انقلاب مبعان کلبه بلاد و ایالات ایران از آذربایجان و

طوالش و اصفهان و سایر بلاد گذشت . کنون دو ماه است در خود پای تخت نیز جمع کثیری از نمایندگان ملت . در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم و سفارت خانة دولت علیه عنایه نخسن اختیار نموده کسبه و اصناف هم هفت روز است براسی استیفای حقوق مشروعه منصوبه خود تطیل نموده متغفا در مقام اظهار برآمده اند . و مقاصد خود را رسماً بتمام سفرای دول متعاه ابلاغ و اظهار نمودند . در انجمن باقتضای مراتب طالبه انصابت و مراعات عوالم اتحاد و توافق طبیعه شریعت البت هموم ملک متمدنه عالم در انصابت و رزایا و مظلومیت اهالی ایران متمم و اکنون وسیله این لایحه اینک مظلومیت خود را در تمام ملک متمدنه عالم انازه و انتشار داده و استرحام مینمایم که مساعدت معنویه خود را در افتتاح پارلمان و ناعاده مشروطیت ظاهر ساخته و هموم ملت ایران را مرهون متشکر داشته بوظایف انصابت و نوع برسی وقتار نمایند

تکرار اسلامبول به نجف اشرف

(۵ صفر)

حضرات حجج الاسلام آقای خراسانی ، آقای مازندرانی مدظلمها - عین تکرار رشت است . . . حکم گیلان بهم مجاهدین غیور مقتول ، تمام قوای دولتی تصرف ملت ، سپه دار فرمانفرما - فوری وقایع موحوده را بتمام شهر عابیه ایران خصوصاً اصفهان خبر بدیدید - انجمن ایالتی گیلان (انجمن سعادت)

حکم حکم و دستور العمل کافی حضرات

(آیات الله نجف اشرف بموم)

(مشروطه خواهان)

بسم الله الرحمن الرحيم

بموم برادران دینی و عدالت خواهان ایران ایدم الله تعالی اظهار میشود - چون در اوائل عدم مجلس و نصب حقوق ملت ایران اهالی آذربایجان قیام بحفظ حقوق خود نموده در مقام دفاع تسلیمین برآمده و این داعیه ساز قائم بودن انجمن ایالتی تبریز را به مقام پارلمان ایران پیشنهاد تمام دول و ملک عالم نموده امروزه که انقلاب و اغتشاش اغلب نقاط ایران را فرا گرفته حفظ و قاء دین اسلام موقوف باتمام کله مسلمان

حلاوت مشروطه را چسبیده هرگز دست بردار نخواهد شد، بلاوه از روی مذهب امروز مشروطه را یکی از اهم فرائض خود شناخته اند، و این که بعد از اتصال مجلس چندی سکوت نمودند، یکی بواسطه شاه دوستی و دولت خواهی است که از قدیم الایام بوراات نکام داشته، و دیگر به انتظار ابغای وعده شاهانه که سر سه ماه حقوق منصوبه ایشان مسترد میشود، باز رجال دولت امید مات را مبدل به یأس کرده ملت را غوغا طلب و شورش خواہ جلوه دادند

اعلیحضرت امامت مسلمانان نجیب ایرانست غیر از حقوق منصوبه چیزی نمیخواهد و سواى استرداد مشروطه هیچ مقصودی ندارد، و برائی ایران، فقر رعیت، کسادى تجارت، سقوط سناحت، قات ذراعت، عدم وصول مالیات، خالی ماندن خزانه، تفرقه لشکر، بیاضدگی به بیاع شریفه، نقصن به سفارتخانه ها همه از سوء تدابیر درباریان بی انصاف و قض عهد و خلف وعده شد.

بذات ملوکات ات سوگند یقین داریم و خواطر ملوکات را اطمینان کامل میدهم بلکه از بدیهیات اولیه است که بعضی اعطای دستخط رد مشروطه و افتتاح مجلس شورای ملی همین رعیت دولتمخواه شاه دوست که دولتیان قلب مبارک را از ایشان رنجانیده اند در همه طور وفا داری و نداد کاری حاضر باشند.

اینک استدعای عاجزه داریم، که مقتضای رأفت شاهانه دستخط به رد مشروطیت کامله را عاجلا در جواب این ورقه عاجزانه به اهالی اصفهان نهایت فرطیند که مزید افتخار جان شانرا شود -

موم علما و تجار و اشراف و اعیان اصفهان
(فی شهر صفر سنه ۱۳۲۷ هجری)

مکتوب جده

نگارش جناب حاجی میرزا علی

(آقا مدیر روزنامه مظفری بوشهر)

(که يك از نیم شهدای نامة)

۷۳ جمادی الثانی است

تنگارشات جرابد نازجه یعنی جرابد فرنگستان

معلوم است، فدائی ملت در اینجا که تکالیف است و نه پست منقلى از هر گونه اخبارات بکلی بجزیر ماندهام، مگر گاهی بمندرجات جرابد حجاز و شمس الحقیقه عربی و شمس حقیقت ترکی که در این ایام در حجاز طبع و نشر میشود طوتم

الساعة که پست مکه مکرمه وارد شد شماره دوم جریده شریفه (شمس الحقیقه) رسید، مقاله در مورد دولت مشروطه که عمده اش واضح بحکومت باغ شاه و ملت ایران و فتور ایران است نوشته که خیلی جگر گداز است، آنرا تحت لامبلی ترجمه کرده استمدادارم در جبلالمتین مندرج دارید تا اگر بدست شاه برسد ملت ایران و هموطنان همترزم بخوانند و به یقین اجانب درباره آنها چه میکنند -

یک نمره از همین جریده را با ترجمه تحت اللفظی جناب یکت سفارشی نامم (دربار باغ شاهی) اینک بطهران فرستادم - چنانکه همته قبل هم یک نمره جریده (حجاز) را که شرحی در مورد ایران نوشته بود همان وسیله و همان اسم بطهران ارسال شد - ولی مشکل میدانم از دست خائنین که رابطه ما بین ملت را با دولت قطع کرده اند بدست شاه برسد - چون یقین دارم جبلالمتین در حقیقه بشاه میرسد - اینمقاله را فرستادم شاید این بیضه بر آرد بر و بال ممکن بیک قدری عفتش را جمع کرده بیش از این فریب نخورد و رای خواطر چند فر خان لاشخور هائیه اطرافش خود را دلیل و مالکت را بران و ملت را پریشان خواهد - بخدا قسم مردم جوی را که امسال استوار کعبه را گرفته بودند و ز تمدیات این شخص طوری بخدا مینالیدند که اگر روی راحت به پلند خلیل عجیب است و حال آنکه نخواهد دید

و نیز دیدم جوی از اهل مغرب زمین وحاجی های مراکش برای فقای شاه و پیشرفت ملت ایران در پست لاف مشغول دعا بودند و ختم (یا قهار قهرت بالقهر والقهر فی قهر قهرک یا قهار) گرفته بودند - که این بنده نهایت مرگش گردیدم

واسیة بحال کبیک جلد تر مثل ابر سادو و ایاکوف و وجاله و اوامش که لباس طربقی بانها پوشانیده با هم تزیاق رزی زس ملت گذاشته درست او مانده

و طالبان هم ما و ماات خودن خصوصاً خصم او باشند. در حالیکه مرغن است با عمل خدا و رسول هم خصم او هستند -

افسوس که براتب بدتر از ایام ساطب ناصرالدین و مظفرالدین شاه که اطرافها شان طامع از رسیدن اخبارت آنها بودند امروز اطرافهای بنی شاه طامع از رسیدن اخبارات دنیا و مراهیص ملت میباشد. و اینگونه طاموط و اخبارات را با اینکه (هر هفته سفارش کرده و باسم دربار غیر معدنمدار) اطهران فرستاده می شود بگذارند برسد. گر میرسد ولو شاه هر درجه سقیه و کودن بود باز در مطالب عمیق و رسیدگی میکرد. و از غیر ملک و مات گذشته خیر خود و رشد اخلاف خود را میدانست. و اقلان بخانواده و طائفه خود رحم میکرد. و بیش از این همت حاجت نمی نمود - و کار یکسره میشد -

اما چه سود که تا این چند نفر لاشعور اطراف این شاه هستند. کارها مشکل و بایسته دینته در کل است. ما این هم وظیفه امثال این بنده گفتن و نوشتن و فریضة حضرتعالی انتشار دادن است

الحاج میرزا علی آقا شیرازی
مدبر مظفری

ترجمه از جریده شریفه شمس الحقیقه
منظومه مک مکرمه
(حیات الامم و امة ستور)

دستور - مشروطیت - جوهر حیات و علاج امراض مزمنه هر ملتی است. درد بیدرمان هیچ ملت بیدرمان نمیرسد. و هیچ دولت یکقدم بطرف ترقی و تقدم بر میدارد الا به برکت مشروطیت

اول مطلوب مرفوق و اول محجوب مطلوب هر ملتی مشروطیت است. اوسط حکومات سه گانه مابین (استبداد مطلقه که دارای صفت فریط) و (جمهوری مجاوزه که صحت او شرط) دارد. مشروطیت است که مصدق (خیر الامور اوسطها) و مطابق مقتضیات شرع شریف محمدی و موافق مقصد دین حلیف اسلامی است ما که کنون بعد از تضییق شدید استبداد و فشار سخت مستبدین رهائی یافتیم. به نعمت عظمای

مشروطیت مستفیض شدیم. و سنده سعادت میدانت حریت و عدالت بحولان در آوردیم. به ترقی و تقدم خودمان اهتمام تمام داریم. چنانکه غریبون در قرون گذشته اهتمام کردند و از قرن هفدهم که طلوع کواکب ترقی و تقدم آنان بود کوشش نمودند تا بهرام خود رسیدند. ما هم انشاء الله در این قرن سعید بقاصد خود نایل و به آمال خودمان مظفر و منصور خواهیم شد چرا که مشروطیت باعث احیای هر ملت و قوت و سلطوت هر دولت و وسعت و آبادی هر مملکت است. مشروطیت سبب تأمین مال و جان و عرض و آرومی هر افراد از افراد ملت است - مشروطیت است که بساط عدالت میکسزاند و اساس حریت و مساوات و اخوت و مواساة را برایشی فرد فرد از ملت محکم میسازد

به نص کتاب کریم که (و شاورهم فی الامر - و امرهم شوری بهم) میفرماید. انعقاد مجلس شوری لازم و واجب است و بموجب همین احکامات خدائی است که هر مات برای احقاق حقوق خود بر خواسته و دامن مردانگی به کمر زده بدون خوف و بیم با کمال غیرت و همت اسلامی و همت و عصیت وطنی از ملوک و حکام خود حقوق بشریت خود را مطالبه دارند. و در حینیکه سلاطین اسلام با کمال قضاوت قوت حقوق مطالبه خود را پایمال میخواستند و با نهایت بر روی تفلان میکنند که برای پیشرفت خیالات شعوات آبر خود اختلاف که و تفرقه بین مات خود پیدا نند تا جائیکه احرار را در تبعید و غنلا را تحمیق مینمایند که بتوانند ملت را از حقوق بشریه که خداوند برای آنها مقدر و مقرر فرموده محروم دارند مات بیدار از هیچگونه فداکاری دریغ نمیدارد -

لیکن باید دانست که خیال مات را هیچ چیز از این گونه افعال منحرف نمیدارد. محض شدت فشاری که از استبداد حکام ظالم دیده اند در اخذ حقوق مایه خود همه نوع مجاهدت خواهند کرد. مال اسلام بر اثر برادران هتای خودمشی دارد که بقوت اتفاق و قدرت اتحاد حقوق خود را گرفتند و برگردن آرزوی خود سوار شدند. تا بجائیکه بر قبضه شمشیر و اسلحه ظلم تسلط یافتند و برای مدافعه از مستبدین همان اسلحه

جات را مورد شناسنام و از قوت اتحاد و اتفاق
بهار اسامه جات از مستبدین دفاع میکنند

جرید می نویسد که (مولا عبدالحمید) سلطان
مغرب لوی عدالت افراشت و در قبول مشروطیت
دولت مات خود را بشریفیت سرافراز داشت
کذاک (امیر حبیب خان) امیر افغانستان همین خیال
را از روی فعل خواهد آورد و خود را میان سلاطین
علم شهر خواهد داشت -

غیر از شاه ایران که حالت غنی مهلتش میدهد
که در از ظلم و جور بر مردم و رعایا و لاج
و استند خود بر نگردد - از شامه عدالت و
مملکت و امره دور افتاده و راه راست نبرد که
بر گرامی و ضلالت خود که اثر شهوت نفس و فساد
نیت و بیای - طبقت اوست ضرر تمام دارد تا آنجا که
از اصرا او در بدبختی خودش دلائل و اضطراب
فته و فساد آشوب و انقلاب و شکست و خراب و
ویران کرده که وجود سیاسی او در خطر است جدا
بکشد سیر بادشاه ظالم خاور را (قاله که هلاک مالموم
و طاعنه غموم) خداوند زمین را از لوث وجود
اینگونه پاک کند شاه سنگدل نفسی امان ایران
خود را بازار میزند و هیچ وجهی سلام و معنی
بسیارمان و رعایا و مع خود در دریاک سار

خطاب را در مورد قشون نامی میگوید
نست و نابود باد چنین لشکری که طرف این
شاه ظلم ر گرفته و نه ننی و طغیان او و در مخرب
وطن و ملک اموس و نمل نفوس انسانه وطن خود
اطاعت میکنند

قشون شاه که در خرابی وطن خود کوشش
مینماید دست بخون انسانه وطن خود می آیند و
بر اولاد وطن خود میبازد این قدر فهمیده اند که
آن بیچارگان در حق حقیق ملامت خود این قشون
هم مره پاینده کاری میکنند

جهت بیخبریت و پست طاعت هستند قشون
ایران که هاز معنی بوخت را هم فهمیده اند و در
حالتیکه بیخبریت و بی قشون غیرت خون عنای
غیرت اسلامی نخرچ دادند و در حفظ وطن و سعادت
انسانه وطن خود بیعت مساعدت کردند و خود را نیکنام

درین مورد قشون ایرانم ارزش غیرت دره ملت خود
اطاعت کنند که حقوق بشریه خود را که خدا برای آنها
مقدر و مقرر فرموده از مستبدین باز ستاند سکن
مسامحت میکند شاه جبار ظالمی را که در مقاسد
حقیقه و مردم بیخود خود علم و حور و استبداد
صرار دارد و میخورد (لا یسئل عما یعمل) باشد
در صورتیکه این صفت محض خدی واحد احد فرد
صمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفو احد است

همین طاب هر دلیلی است بر اینکه قشون ایران
از درک حبیب قاضی و در درک اهل ارسل گرفتار
اند چونکه رحمتی است که غیرت سلاطین عسکر
و مهربان است کلی عبرت اند

هیچ تصور میشود که تمامی بوی اسبیت شاهنش
رسانده باشد و سرایت احمالی بود که مخالف حریت
و آزادی خود و شاه وطنش باشد چگونه خواهد بود
حال اینکه پشت با حریت و آزادی خود و سعادت
وطن و بنیاد خود میزند چنانکه قشون ایران
(اطر دهای شاه) زده اند

حدا حد مره های سفید و گول و حق و بدبخت
هستند بن قشون اموری که حتی به دیب پادشاهی ظالم
و جبار سدر بعد نشان شیری آمده که بوس و اساه
وطن خود ترک آری میکند بجهت اینکه طوق عدالت
و دیب و سدی ظالم ساری که حال کارش هم آفریب
منجر هلاکت است کردن بندازد حاشا و کلا! که
بغیرت نربن ماس تحمل این همه سفالت و ردالت را
میکانند که افوج برای مدتر ازهایم از اطرافها و محکوم
بحکم شاه باکمال تفاوت کردند

شاید مد که شاه خاطی خاصی از خدا و رسول
به از خدا شرم نرود و به از رسول اکرم آرام
و به از قهر مسلمان اندیشید و باکمال برونی و بشری
گفته (ان الاسلامه تبع حربه)

واللهیاء اگر در این بدبختی قصی القلب چنین امری
سر زده و این حرف از دهش صادر و جاری شده
باشد باید ندانش را بقوه شریعت اسلامی شکست
این چه گرمی و شقاوت و این چه جهلی و بدبختی
است که این جوان محکوم را از راه راست
منصرف داشته

این شاه با حمل و زدق خود چگونه میتواند
حق کند از اسلام چیزی را که رکن اسلام است و مدار
اسلامیت بر آن است. مگر اینکه میخواهد این مخالفت
و خلافات در برده شایع اعمال خود و عسرتش را
استخفاف کند و اگر این طور است مبرهن است که
چشمش را برده حمل فرو بسته هذیان میگردد

در خطاب به ملت ایران مینویسد

ای ملت ایران ای بندگان خدا، بگیری حقوق
خود را که از قدر و رذالت شاه ضائع شده، معلوم
نیست چه شده و چه باعث گردیده و کی او را هذیان
گفتن را داشته ای بندگان خدا حواس این ظالم را
بگیری که در لاطق های خود هذیان میگردد و نهدت
با سلام بزند

مقصود ما معشر اسلام از حریت این است که
شخص در نفس و مال و عرض و آبرو و حقوق
شخصیه خود بر حسب شرع شریف و قانون اسلامی
آزاد باشد، در آنچه قانون شرع در تصرفات
دانی اجازه میدهد خود مختار باشد. بقیه از بندگی
خدای یگانه به عبودیت مخلوق و تعلق و سرفروود آوردن
نامثال خود. هر چیزیکه خارج از وسع و طاقت اوست
و هر چه که از حدود اسبابیت خارج است (که
همان مقصود سلاطین و ملوک و حکام مستبد است)
مجبور نباشد

کدام مسلمان میگردد که اینها از عین شریعت غرای
محمدی (ص) و از فرایض اسلامی نیست، مگر کسانیکه
دیده بصیرتشان کور و از مقام اسبابیت مهجور باشند
و تمیز بین حق و باطل ندهند (قلم لایسی الابصار
ولکن تسمى الملوب اه فی الصدور)

مراد ما از حریت و آزادی نه این است که مثل
مغریبات هر کس هر چه میخواهد بکند یا هر چه
میخواهد نگوید و بدون قیود و شروط بجزئی که از
حدود شریعت که عین اسبابیت است خارج شود یا
مناشر فسق و فجور و مرتکب محرمات گردد

معاذ الله که آن فضایح و فزایح را حریت نامند
بلکه طریق ضلالت و عمل شیطان و بالآخره راه
جهنم است

همچنانچه طور جسارت کرد شاه ایران بر اسلام
و نصب واجبی از واجبات نمود که خاطر را برای
خود خرید و نفس خود را در دامنه عظمی افکند
که خلاصی او محال است (ولات حین مناس)

چه قدر مست ناده استبداد است این شاه ظالم
جهول که نمیداند چه کرده و چه میکند، گویا شیطان
بر دوشش سوار است و باشنه یا بسینه بر کینه اش
میزند و او را بطرف دخواست میکشاند - چنانکه
گویا بوم شوم بر سرش نشسته و بر و بال بچشمش
میزند که دیروز و امروز خود را فرق میدهد و
شقاوت بر او غلبه یافه که خیر و شر و حق و باطل
را تمیز میدهد، تا آجاییکه (الآن ماواه جهنم
و بس للهاد)

چه قدر ظالم است که از خداوند منتقم قهار
نمی ترسد و از پیغمبر اکرم شرم ندارد و از ملت اسلام
تیمبرسد که هم قریب بمجازاتش خواهند رسید در
حالیکه خدای منتقم حاکم و جهنم سخن اوست و ملائکه
غلاظ و شداد موکلین او -

بلی (افریت من انخذ اله هواه و اصلاته
علی علم و حتم علی سعه و قلبه و جعل علی بصره غفوه
فن یدبه من بعداته افلا تذکرون - فلاحاجه بسط القال
و القبل و الله حسی و لم الوکیل)

مترجم گوید خدا دلیل کند خابن اطراف شاه
را که مانع از حصول سعادت دولت و ملت شدند و
برایکه فواید شخصیه خود عقل شاه را دزدیده و
بسنگ اختلاف شبته اتفاق دولت و ملت را شکستند
و بیک جوان بی تجربه را آلت اجرای مقاصد خلفانه
خود قرار دادند، تا جائیکه کینه او را در قلوب عموم
مطلبان جای دادند و مکه مشهور است جرایه خارجه
مذمت از شاه ایرانرا هر روزه زینت صفحات خود
قرار داده اند

و نخواستند که ملت بد بخت خود دست نیاز ببرد
قادر چاره ساز بلند کرده اصلاح ملک و ملت را از
خدا میخواهند خدا میداند غیر از جگر سوخته کاف
از ملت که شب و روز مشغول تفریح بنه استبداد

و وحدت مقصود آنهاست اختلاف کلمه و تعدد غرض کم کم منجر بر حثه اجانب و اضمحلال اسلام است لهذا واجب بر تمام مسلمانان ایران است که مقصود خود را منهدم با مقصود مسلمانان تبریز نموده بشر از مطالبه مشروطیت دولت که بقاء اسلام یعنی بر آن است مطلب دیگری اظهار نمایند و بمصدوقه المؤمنون کنفس واحده همگی خود را خادم و حافظ جامعه اسلامیات و مشروطیت بدانند و لایزال توسط تذکرات از سیم خارجه و قاسد های مخفی از حالات همدیگر مطامع باشند و از همدیگر کسب دستور العمل نموده احراء نمایند و خط مستقیم حرکت همدیگر را فهمیده و همه بر آن خط مستقیم متحرک باشند در صورتیکه قلوب مسلمانان بهم منهدم و مقصود کل مسلمین حفظ نوامیس الهیه شد قیماً آنها مورث فوز عظیم و رضایت خاطر حضرت حجه صدر عجل الله فرجه خواهد گردید

بجم شهر صفر سنه ۱۳۲۷

من الاحقر عبد الله المازندرانی

من الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی

حکم اجماعی حضرات آیات الله

احکام مبارکه حجج الاسلام نجف اشرف و کربلائی مطی و سامرا در و حوب دفاع بر هجوم مسلمین از هجوم لشکر شاه و حرمت جنگ با مشروطه خواهان تبریز بلکه با هجوم مشروطه خواهان ایران جناحه تعداد بلاد مشروطه خواهان در عبارت آیه الله آقای صدر دام ظلّه بر این معنی صریحاً دلالت میکند

(۹ صفر سنه ۱۳۲۷)

حجج الاسلام امام الله بقاّم - از شهر های دور رفته با اهل تبریز عماره نمودن و مدافعه اهل تبریز از هجوم ایشان که بقصد قتل نفوس و غارت اموال و هتك امراض است شرعاً چه صورت دارد بنوا اطال الله عمرکم (غره شهر صفر سنه ۱۳۲۷)

بسم الله الرحمن الرحيم

بدیجی است اهل تبریز جز مطالبه حقوق ملیه منصدی ندارند لزوم مساعدت ایشان و حرمت مهاجمه بر نفوس و امراض و اموال ایقاف از ضروریات

اسلامیه و مهاجم مهدورالدم است حرره الاحقر محمد کاظم الخراسانی

بسم الله تعالی

چنین است که مرفوم فرموده اند مطالبه حقوق ملیه داشتن ملت تبریز بدیجی و لزوم مساعدت و حرمت هجوم بر ایشان و مهدورالدم بودن هجوم کننده نیز ضروری است حرره عبد الله طازندرانی

بسم الله الرحمن الرحيم

چنین است که مرفوم فرموده اند بظواهر هویدا است تفاوت بین تبریز و کرمان و استرآباد و اصفهان و لار و گیلان نخواهد بود و الله تعالی مولد الفرق الصواب اشاء الله تعالی حرره الاحقر ابن صدالدين العاملى

بسم الله الرحمن الرحيم

حرمت مقابله با مسلمان و هتك امراض و نهب اموال آنها از ضروریات دین محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است و جواز دفع آنها بر تقدیر هجوم بلکه وجوب آن نسبت بنفس و عرض نیز از بدیهیات است حرره الاحقر محمد نسی

جلالین

آیا هنوز هم شبهه باقی است که جناب آقای سید کاظم بزدی شوق صمیمی اسلام نموده مخالفت با جمیع حضرات آیات الله کرده این همه خوبری هارا سبب گردیده اند . آیا میتوان تصور کرد که تاکنون هم امر بر ایشان مشتبّه باشد ؟ آیا میتوان گفت که جمیع علمای اعلام که امروز مرجع تقلید اند بخطا باشند و این یکی نفس که خود دعوی لا علی و نافی میکند بصواب باشد ؟ آیا ضدیت با این احکام متقنه جز لجاجت با حجج اسلامیه و مصداق (خالف شهر) چیز دیگر هست ؟ ولی ما میگوئیم که در این موضوع سبب خطا کرده و ازین مخالفت که حایه بین از باطل است اگر شهرتی هم پیدا شود شهرت را در حاقی است نه شهرت حاقی و هیچ دوام ندارد خداوند طاقت همه مسلمانان را بخیبر نماید و آنها را از شر علمای سوء محفوظ دارد